



سرآغاز گفتار نام خداست
که رحمتگر و مهربان خلق راست
بنام خدایت بخوان کافرید
ز نطفه بیاورد انسان پدید
همیشه بخوان این کتاب مبین
خدایست خود اکرم الاکرمین
خدانیکه چون آفرید از عدم
ترا دانش آموخت خود با قلم
به انسان بیاموخت علم از نهفت
هر آنچه ندانست او را بگفت
تقرب طلب کن ز پروردگار
تو می‌گرد نزدیک بر کردگار

ترجمه شعری قرآن کریم از استاد «امید مجد».

سوره علق





دوستان عزیز برای تماس با ما می‌توانید از پل ارتباطی
Email: abtabjournal@gmail.com استفاده کنید. چنانچه از
کارشناسان ما سؤالی دارید، لطفاً با ذکر نام کارشناس مربوطه
پرسش خود را بیان نمایید؛ ما در جلد‌های آتی پاسخ شما را
مطرح خواهیم کرد. لطفاً نظرات، پیشنهادات و راهکارهای
سازنده خود را از ما دریغ نفرمائید. لطفاً مقالات و مطالب
خود را به Email: abtabarticle@gmail.com ارسال فرمائید.
ماهنامه آبتاب هر ماه به بهترین پیشنهادها، راهکارهای سازنده
و مقالات هدیه‌ای به رسم یادبود اهداء خواهد کرد. همچنین
هر یک از شما دوستان عزیز در ایران و حتی دور از مرزهای
سرزمین مادری، می‌توانید خبرنگار افتخاری ما باشید. مطالب
شما در صورت تأیید صحت آنان توسط کارشناسان آبتاب به
نام خودتان چاپ خواهد شد. لطفاً برای دادن آگهی به آبتاب
با پل ارتباطی Email: abtabadvertisement@gmail.com با ما
تماس بگیرید. از اینکه همراه و یاور ما در راه اعتلای فرهنگ
کشور عزیزمان ایران هستید، صمیمانه از شما سپاسگزاریم.



نشریه آبتاب

دوره انتشار: ماهنامه

موضوع: فرهنگی-اجتماعی

زبان: فارسی

شروع انتشار: ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: مدیر مسئول و سردبیر: فاطمه مهسا کارآموزیان

رئیس شورای سیاست‌گذاری: مرتضی رجائی خراسانی

مدیر اجرایی: آذر سعیدلو

مشاور فنی: ابوطالب درویشان

محل انتشار: تهران

توزیع: سراسری

آدرس: تهران، شهرک غرب، خیابان گل افشان.

سخن سردبیر

فاطمه مهساکار آموزیان

یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

دنیایی سرد و حزن انگیز با بستری از نامهربانی، آدم را در آغوش خواهد گرفت. آدم بر آستان بهشت ایستاده بود و به جرم نافرمانی اش ناچار به کوچ به زمین شده بود. او مات و مبهوت در برابر سفری قرار داشت که انتهایش را نمی شناخت. خداوند که او را چنین یافت، هدیه ای به نام اختیار بدو داد. «اختیار»، در انجام کار نیک و بد؛ به طوری که بازگشت به بهشت از زمین برایش مقدور باشد. مهر الهی بدرقه راهش شد.

آدمیان در تقلا برای حفظ حیات خود در زمین، گاه یکدیگر را فراموش می کردند و گاه یکدیگر را نادیده گرفته و حتی به هم ظلم روا می داشتند. در دنیای پوشالین زمین، هیچ آغوشی گرمتر از محبت یافت نشد و هیچ مرهمی جز نگاه مهربان وجود نداشت. خواست خداوند بر این قرار گرفت که زمین با وجود پیامبران روشنی یابد و به برکت وجود حجتش رنگ حیات به خود گیرد. این زمان تنها یاد خدا فریادرس انسانها شد و انسان در میان انبوه ناملایمات صبور را آموخت، با این امید که زمین جایگاه بهتری برای زندگی خودش و همنوعانش باشد. فرمان خداوند که عدالت بود، جاری گشت و آدمیان برای ساختن دنیایی بهتر تلاش کردند. باشد که روزی شاهد جهانی عاری از ظلم و خشونت باشیم و ما نیز نظاره گر تحقق وعده الهی در زمین باشیم.

میلاذ منجی بشریت، مهدی صاحب الزمان (عج)؛ بر عالمیان مبارک باد!

دل بی توبه جان آمد وقت است که بازآیی
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی
این است حریفای دل تا باد نیممایی
کز دست بخواهد شد پایاب شکیبایی
رخساره به کس نمود آن شاهد هرجایی
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی
وای یاد توام مونس در گوشه تنهایی
لطف آن چه تواندیشی حکم آن چه توفرمایی
کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی
تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی
شادیت مبارک بادای عاشق شیدایی

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
دایم گل این بستان شاداب نمی ماند
دیشب گله زلفش با باد همی کردم
صد باد صبا این جا با سلسله می رقصند
مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد
یارب به که شاید گفت این نکته که در عالم
ساقی چمن گل را بی روی تورنگی نیست
ای درد توام درمان در بستر ناکامی
در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم
فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست
زین دایره مینا خونین جگرم می ده
حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد



بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، به مناسبت نیمه شعبان

ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (علیه الاف التحیه و الثناء و عجل الله تعالی فرجه) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.

مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عج) است و می دانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان (علیه السلام) - که در دعاها و زیارات و روایات آمده است - «عدالت» می باشد: "یملأ الله به الارض قسطا و عدلا". رابطه قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عج) یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه می دارد.

بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم

۲۲/۱۲/۱۳۶۸



اگر به سمت صلاح نزدیک بشویم ظهور نزدیک خواهد شد. شما مردم عزیز - به خصوص شما جوان ها هر چه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیت ها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید؛ این آینده را نزدیکتر خواهید کرد، اینها دست خود ماست اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد. همچنان که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان آن روز را نزدیک کردند، آن نسلی که برای انقلاب آن فداکاریها را کردند، با فداکاریهای خودشان آن آینده را نزدیکتر کردند هر چه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم آن عاقبت را دایما نزدیکتر می کنیم.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم
در سالروز میلاد خجسته امام زمان (عج) ۲۲/۰۸/۱۳۷۹

درس اعتقاد به مهدویت و جشنهای نیمه‌ی شعبان برای من و شما این است که هر چند اعتقاد به حضرت مهدی ارواحنا فداه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم
به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالای تهران ۳۰/۰۷/۱۳۸۱

بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سراز پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت میکردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده‌ی دفاع از ارزشها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام است، می تواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان های خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می بازند و زانوانشان سست می شود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر بیندازد، انجام دهند؛ اینها چطور می توانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم
به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالای تهران ۳۰/۰۷/۱۳۸۱

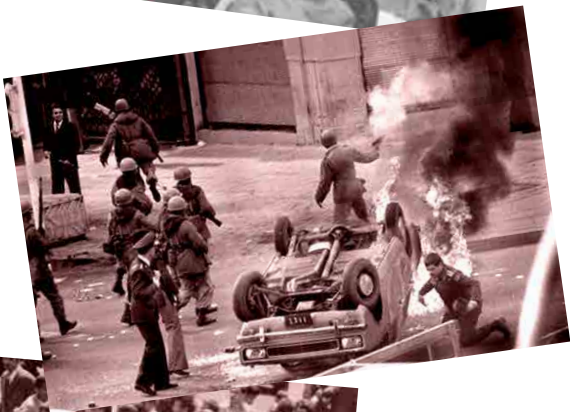


جملات امام خمینی (ره)

درباره قیام ۱۵ خرداد

- * با فرا رسیدن پانزده خرداد خاطره «غم انگیز» و «حماسه آفرین» این روز تاریخی تجدید می شود. من روز پانزده خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام می کنم. ملت بزرگ ایران، سالروز پانزده خرداد را که «یوم الله» است، زنده نگه می دارد.
- * پانزده خرداد مبدأ نهضت اسلامی ایران است.
- * درود بر عاشورا، درود بر «پانزده خرداد» و «بیست و دوم بهمن»؛ درود برایام الله و بر ملت شریف و ارزشمند ایران.
- * در حقیقت دستاورد نهضت پانزده خرداد ۴۲ پیروزی بیست و دوم بهمن ۵۷ بود.
- * قیام پانزده خرداد اسطوره قدرت ستمشاهی را در هم شکست و افسانه ها و افسون ها را باطل کرد.
- * اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای پانزده خرداد رقم خورد.
- * پانزده خرداد یک مصیبتی بود برای ملت ما، لکن مبدأ جنبش بود.
- * پانزده خرداد در عین حالی که مصیبت بود، لکن مبارک بود برای ملت که منتهی شد به یک امر بزرگی و آن استقلال کشور و آزادی برای همه مملکت.
- * پانزده خرداد برای «اسلام» بود و به اسم «اسلام» بود و به مبدائیت «اسلام» و راهنمایی «روحانیت».
- * پانزده خرداد یک نقطه عطفی است در تاریخ کشور ما که از همان وقت، شروع به فعالیت سیاسی شد و روحانیون از همان وقت خودشان را مجهز کردند.
- * یاد و خاطره رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)؛ همیشه زنده خواهد ماند.





انتظار فرج از نیمه خرداد

حسین بیات،

وکیل دادگستری، دکترای حقوق عمومی



ماه خرداد برای مردم ایران بیانگر حوادث تاریخی سرنوشت‌سازی است که هیچگاه از حافظه تاریخی ایشان پاک نخواهد شد، پانزده خرداد ۴۲، چهارده خرداد ۶۸، دوم خرداد ۸۶، و بیست و چهارم خرداد ۹۲، از جمله‌ی این حوادث تاریخی است که همگی در خردادماه رخ داده‌اند.

بدون شک مهمترین رخداد تاریخی معاصر ایران صرفنظر از انقلاب مشروطه پیروزی انقلاب اسلامی است که جرقه‌های آغازین آن از پانزده خرداد ۴۲ و توسط مرحوم امام خمینی (ره) شعله‌ور می‌شود. این آغاز حرکت انقلابی ملت ایران با رهبری بزرگ مردیست که با اراده و پشتکار بی‌بدیل خود سدهای سکندر و ستبری را که در مسیر جنبش پرخروش و خودجوش ملت ایران علیه نظام استبدادی آغاز گردیده بود، برمی‌فکند.

«میشل فوکو» فیلسوف شهیر فرانسوی در تحلیل خود از چرایی انقلاب ایران می‌گوید؛ روح انقلاب اسلامی صرفنظر از وابستگی به کاریزمای افسانه‌ای امام خمینی متکی به تمایل قلبی مردمی است که تحول در شخصیت فردی و اجتماعی خود را خواستار بودند، تحولی که وی از آن به «معنویت‌گرایی سیاسی» یاد می‌کند. به گمان نگارنده این سطور احتمالاً این تحلیل دقیق‌ترین تحلیلی باشد که با آن بتوان به شناختی دقیق‌تر از شخصیت سیاسی فقید انقلاب اسلامی و آثار اندیشه‌های «فقهی»، «اخلاقی»، «سیاسی»، «اجتماعی» و «فرهنگی» ایشان بر «نظام جمهوری اسلامی ایران» و گفتمان حاکم بر نظام مناسبات فی مابین قدرت سیاسی و آحاد ملت، دست یافت. مرحوم «امام خمینی» در صدد تحقق آشتی میان اخلاق اسلامی و قدرت سیاسی و ایجاد سیاست اخلاقی بودند که بر استقرار احکام شریعتی اسلام و اجرایی نمودن فقه امامیه استوار گشته بود. بدین منظور هم خویش را مصروف تبیین ساختاری نمودند که با «لیبرالیسم» و «کمونیسم» به عنوان مکاتب سیاسی غالب آن دوران - صرفنظر از وجوه تشابه ناگزیری که داشت - متفاوت بوده و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و دینی باشد. البته، نه ایشان و نه هیچ یک از یارانشان تجربه عملی اداره امور «سیاسی»، «اقتصادی»،

«اجتماعی» و «فرهنگی» کشور را نداشتند تا اندیشه‌های ایشان مجال آب دیده شدن در کوره‌ی واقعیات بیرونی را بیابد، بنابراین وقوع اختلافات متعدد میان نیروهای مذهبی و انقلابی که متعاقب کشمکش‌های سیاسی اوائل انقلاب - نهایتاً تا سال ۶۰- با حذف دیگر رقبای توانسته بودند قوای سه‌گانه را عملاً در اختیار بگیرند؛ موجب گردید تا شکاف میان «عملگرایی سیاسی» و «ایده‌آلیسم مذهبی» پیش از پیش حقایق درونی خود را بنماید. از این رو بود که مرحوم امام خمینی با اتکاء به شخصیت فراجراحی، کاریزمای ذاتی و البته، حمایت قاطبه توده‌های مردمی در خلاء احزاب قدرتمند و ضعف ساختاری قانون اساسی که از حل معضلات نظام در چارچوب‌های مشخص و ضابطه‌مند عاجز می‌ماند، به مدد نظریه «ولایت مطلقه فقیه» که در جوانی و میانسالی در تبیین آن کوشیده بودند؛ یکایک معضلات نشأت گرفته از اختلافات مذکور را که میان «عملگرایی سیاسی» و «محافظه کاری سنتی» سر بر می‌آورد، رفع کنند. اما با رحلت ایشان در ۱۴ خرداد ۶۸ و ظهور دوره‌ی دیگری از حیات تاریخی نظام جمهوری اسلامی، می‌بایست؛ در غیاب کاریزمای قدرتمندی که حلال همه‌ی گره‌های ناگشودنی بود، ساختار سیاسی دچار تغییرات اساسی می‌گشت؛ از این روی «قوه مجریه» در ریاست جمهوری خلاصه شد و «ولایت مطلقه فقیه» که در دوره‌ای به نظر می‌رسید تنها به قامت مرحوم «امام خمینی (ره)» برانزده باشد با تغییراتی به رکن اساسی قانون اساسی ایران مبدل گردید و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز که در اوائل تأسیس آن توسط مرحوم «امام خمینی» با انتقاداتی از ناحیه‌ی سنت‌گرایان محافظه‌کار و جناح‌های سیاسی معتقد به حاکمیت قانون مواجه بود؛ به نهادی قانونی مبدل گردیده و نقشی بی‌بدیل در حل اختلافات فی‌مابین مجلس به عنوان نماد جمهوریت نظام و شورای نگهبان قانون اساسی به عنوان نماد اسلامیت نظام ایفاء کرد. پس از آن نیز با روی کار آمدن دولت‌های «سازندگی»، «اصلاحات» و «اعتدال» علیرغم آنکه شعار سیاسی هر یک از دولت‌های مذکور تبعیت از آرمان‌های آن مرحوم بود، اما در مقام عمل و هنگام بررسی‌های تئوریک و آکادمیک اندیشه‌های فقهی و سیاسی آن مرحوم دچار پارادوکس‌های متعددی می‌گشت. هر یک از ایشان با استناد به سیره عملی و یا گفتاری رهبری فقید انقلاب سعی می‌کردند و هم اکنون نیز می‌کنند تا عملکرد خود را از حیث ضرورت‌های دموکراتیک و هم از باب دغدغه دینی که توسط جریان قدرتمند سنت‌گرا مداوماً مطرح می‌گردید با سیره رهبری فقید انقلاب اسلامی منطبق جلوه دهد. در واقع، انقلاب اسلامی ایران را می‌توان پس از ۳۷ سال به چهار دوره تاریخی تقسیم نمود. دوره انقلابی‌گری که از بهمن ۵۷ آغاز می‌شود و تا خرداد ۶۸ با قدرت ادامه می‌یابد، دوره سازندگی که از خرداد ۶۸ آغاز می‌شود؛ دوره‌ای که ظاهراً معطوف به جذب سرمایه خارجی، اصلاح ساختار نظام اداری، کاهش حجم تصدی‌گری دولتی و بازسازی زیربنای اقتصادی کشور است که در دوره ۸ ساله جنگ تحمیلی به شدت متحمل آسیب‌های متعدد گردیده بود؛ اما بر

خلاف تصور اولیه به ایجاد دولت بروکراتیک حجیم و ناکارآمد و تضعیف بخش خصوصی و لاجرم تعمیق شکاف طبقاتی منجر گردید و سپس دوره اصلاحات که هر چند به ظاهر هم خود را بر قانون‌گرایی و توسعه سیاسی قرارداد بود و در این زمینه به موفقیت‌هایی نیز در ایجاد فضای باز فرهنگی، تمرکززدایی سیاسی، اداری و تنش‌زدایی در سطح بین‌المللی دست یافت اما به دلیل افراط‌گرایی و برداشت غلط عده‌ای از سیاسیون نزدیک به جریان اصلاحات از پتانسیل درونی نظام در پذیرش اصلاحات شتاب زده به ظهور دولتی منجر گردید که نه انقلابی بود و نه محافظه‌کار و نه اصلاح طلب؛ دولتی که به رغم ادعای در برداشتن همه‌ی این عناوین در بردارنده هیچ یک از آن‌ها نبود. دولتی که عملکرد هشت ساله‌اش بر بروز آسیب‌های جدی به ساختار اقتصادی کشور و تضعیف مبانی وحدت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دلالت می‌کرد. بنابراین، نمی‌توان دوره هشت ساله‌ی ریاست «محمود احمدی نژاد» بر قوه مجریه را در قالب یک دوره جریان‌ساز در تاریخ انقلاب اسلامی قلمداد کرد؛ هرچند به جهت آنکه نتیجه‌ی عملکرد دولت‌های اصلاحات و اقتدار طلبی محمود احمدی نژاد و عدم تمکین در برابر قانون به ظهور دولت اعتدال‌گرو آغاز دوره اعتدال‌گرایی منجر گردید؛ می‌توان برای آن اهمیتی فرعی قائل گردید. با اوصاف مذکور می‌توان انقلاب اسلامی ایران را به دو دوره‌ی تاریخی قبل و پس از وفات مرحوم امام خمینی تقسیم بندی کرد. دو دوره تاریخی که هر یک از دو دوره پراهمیت تاریخی دیگر تشکیل شده است. این دوره‌ها واجد تفاوت‌های شگرف هستند، اما از یک منظر کاملاً با یکدیگر هم پوشانی می‌کنند و آن تأثیر بی‌بدیل نظریه «ولایت مطلقه فقیه» و نقش محوری آن در شکل‌گیری همه مناسبات «سیاسی»، «اقتصادی»، «اجتماعی» و «فرهنگی» کشور است. از یک منظر می‌توان چنین برداشت نمود که هر چند ساختار نظام سیاسی بر اساس مبانی نظر دموکراتیکی چون «تفکیک قوای سه‌گانه»، «حاکمیت قانون»، «اداره امور کشور بر اساس آراء مردمی» و «صیانت از حقوق بشر» شکل گرفته است، اما به دلیل آنکه ساختار قانون اساسی‌گرایی و التزام عملی به چارچوبه‌های ضابطه‌مند قانونی در نظام فرهنگی استبداد زده تاریخی شکل و دوام و قوام شایسته‌ای نیافته است، هنوز می‌بایست به نقش محوری ولایت مطلقه فقیه اهمیت دوچندان داد. در واقع در تعارض همیشگی «سنت» و «مدرنیته‌ای» که با پیروزی انقلاب مشروطه میان دو جریان عمده «سکولار» و «سنت‌گرا» تقسیم شده و هم اکنون نیز به شکلی دیگر در قالب «اصلاح طلبی» و «محافظه‌کاری» به حیات خود ادامه می‌دهد؛ «ولایت مطلقه فقیه» نقش اساسی در پیشبرد اهداف نظام سیاسی دارد و به انطباق قدرت سیاسی با تحولات «اقتصادی»، «سیاسی»، «اجتماعی» و «فرهنگی» جامعه جهانی کمک می‌کند. در واقع، نظریه «ولایت مطلقه فقیه» در غیاب ساختارهای دموکراتیک کارآمد و با در نظر گرفتن ضرورت حفظ نظام به عنوان

اوجب واجبات که یکی از سفارشات همیشگی مرحوم امام خمینی (ره) بود و انطباق هرچه افزونتر با پدیده‌ها و رخدادهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، نقش کاتالیزوری را بازی کرده که نظام سیاسی را از انقلابی‌گری صرف به عملگرایی هدفمند با حفظ مبانی دموکراتیک نظام نزدیک نموده است. بنابراین، اعتقاد دارم دوره‌های چهارگانه «انقلابی‌گری»، «سازندگی»، «اصلاح طلبی» و «اعتدال‌گرایی» نظام سیاسی هر چند بی‌گمان متأثر از تحولات غیرقابل انکار بین‌المللی بوده است؛ اما با نقش محوری نظریه ولایت مطلقه فقیه از تمامی طوفان‌های پیش رو جان سالم به در برده و مادامی که ساختار نظام در قالب کنونی به حیات خود ادامه دهد از اهمیت دو چندان برخوردار خواهد بود. بدین گونه در بافت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران که خرداد ماه و حوادث تاریخی انقلاب اسلامی و شخصیت کاریزماتیک ایشان چنان به هم پیوند خورده است که آن مرحوم را در قامت عارفی تمام عیار و سیاستمداری کارکشته، به پیشگویی متبحر نیز مبدل می‌کند.

سال‌ها می‌گذرد، حادثه‌ها می‌آید من انتظار فرج از نیمه‌ی خرداد کشم



تاکتیک‌های جنگ نرم

- * برجسب زدن: براساس این تاکتیک، رسانه‌ها، واژه‌های مختلف را به صفات مثبت و منفی تبدیل کرده و آنها را به نهادهای مختلف نسبت می‌دهند.
- * تلطیف و تنویر: از تلطیف و تنویر (مرتبط ساختن چیزی با کلمه‌ای پر فضیلت) استفاده می‌شود تا چیزی را بدون بررسی شواهد بپذیریم و تصدیق کنیم.
- * انتقال: انتقال یعنی اینکه اقتدار، حرمت و منزلت امری مورد احترام به چیزی دیگر برای قابل قبول تر کردن آن منتقل شود.
- * تصدیق: تصدیق یعنی اینکه شخصی که مورد احترام یا منفور است بگوید «فکر»، «برنامه» یا «محصول» یا «شخص معینی»؛ خوب یا بد است.
- * شایعه: شایعه در فضایی تولید می‌شود که امکان دسترسی به اخبار و اطلاعات موثق امکان پذیر نباشد.
- * کلی‌گویی: محتوای واقعی بسیاری از مفاهیمی که از سوی رسانه‌های غربی صادره و در جامعه منتشر می‌شود، مورد کنکاش قرار نمی‌گیرد. تولیدات رسانه‌های غربی در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی، مملو از مفاهیمی مانند: «جهانی شدن»، «دموکراسی»، «آزادی»، «حقوق بشر» است. اینها مفاهیمی هستند که بدون تعریف و توجیه مشخص، در جهت اقناع مخاطبان در زمینه‌ای مشخص بکار گرفته می‌شوند.
- * دروغ بزرگ: این تاکتیک قدیمی که هنوز هم مورد استفاده فراوان است، عمدتاً برای مرعوب کردن و فریب ذهن حریف مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- * پاره حقیقت‌گویی: گاهی خبر یا سخنی مطرح می‌شود که از نظر منبع، محتوای پیام، مجموعه‌ای به هم پیوسته و مرتب است که اگر بخشی از آن نقل و بخشی نقل نشود، جهت و نتیجه پیام منحرف خواهد شد.
- * انسانیت زدایی و اهریمن سازی: یکی از موثرترین شیوه‌های توجیه حمله به دشمن به هنگام جنگ (نرم و یا سخت)، «انسانیت زدایی» است.
- * ارائه پیشگویی‌های فاجعه‌آمیز: در این تاکتیک با استفاده از آمارهای ساختگی و سایر شیوه‌های جنگ روانی (از جمله کلی‌گویی، پاره حقیقت‌گویی، اهریمن سازی و...) به ارائه پیشگویی‌های مصیبت بار می‌پردازند که بتوانند حساسیت مخاطب را نسبت به آن افزایش داده و براساس میل و هدف خویش افکاروی راه‌دایت نمایند.
- * قطره چکانی: در تاکتیک قطره چکانی، اطلاعات و اخبار در زمان‌های گوناگون و به

تعداد بسیار کم و به صورتی سریالی ولی نامنظم در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد تا مخاطب نسبت به پیام مربوطه حساس شده و در طول یک بازه زمانی آن را پذیرا باشد.

- * حذف و سانسور: در این تاکتیک سعی می‌شود فضایی مناسب برای سایر تاکتیک‌های جنگ نرم به ویژه شایعه خلق شود تا زمینه نفوذ آن افزایش یابد.
- * جاذبه‌های جنسی: استفاده از گزینه‌ی جنسی از تاکتیک‌های مهم مورد استفاده رسانه‌های غربی است.
- * ماساژ پیام: در ماساژ پیام، از انواع تاکتیک‌های گوناگون (حذف، کلی‌گویی، پاره حقیقت‌گویی، زمان بندی، قطره چکانی و...) جنگ نرم استفاده می‌شود تا پیام بر اساس اهداف تعیین شده شکل گرفته و بتواند تصویر مورد انتظار را در ذهن مخاطب ایجاد کند.
- * ایجاد تفرقه و تضاد: از جمله اموری که در فرآیند جنگ نرم مورد توجه واقع می‌شود، تضعیف از طریق تزریق تفرقه در جامعه هواداران و حامیان حریف است.
- * ترور شخصیت: در جنگ نرم برخلاف جنگ سخت، ترور فیزیکی جای خود را به ترور شخصیت داده است.
- * تکرار: برای زنده نگه داشتن اثر یک پیام با تکرار زمان بندی شده، سعی می‌کنند این موضوع تا زمانی که مورد نیاز هست؛ زنده بماند.
- * توسل به ترس و ایجاد رعب: در این تاکتیک از حربه تهدید و ایجاد رعب و وحشت میان نیروهای دشمن، به منظور تضعیف روحیه و سست کردن اراده آنها استفاده می‌شود.
- * مبالغه: مبالغه یکی از روشهایی است که با اغراق کردن و بزرگ نمایی یک موضوع، سعی در اثبات یک واقعیت دارد. کارشناسان جنگ روانی، از این فن در مواقع و وقایع خاص استفاده می‌کنند.
- * مغالطه: مغالطه شامل گزینش و استفاده از اظهارات درست یا نادرست، مشروح یا مغشوش و منطقی یا غیرمنطقی است، به این منظور که بهترین یا بدترین مورد ممکن را برای یک فکر، برنامه، شخص یا محصول ارائه داد. متخصصین جنگ نرم، مغالطه را با «تحریف» یکسان می‌دانند.



با استفاده از بحران مهاجرت، قاچاقچیان انسان؛ افراد بیشتری را به بردگی می‌کشند!



چهار کودک مهاجر در اردوگاه پناهندگان در یونان. حداقل ۱۰۰۰۰ کودک بدون
همراه از طریق سازمان‌های رسمی وارد اروپا شده‌اند.
عکس از پطروس گیان ناکوریس / AP.

**اتحادیه اروپا هشدار می‌دهد که کودکان هدف
ارجحی برای گروه‌های جنایتکار هستند و
ناپدید شدن بیش از هزاران نفر زیر سن قانونی،
موجب افزایش نگرانی‌ها شده است.**

طبق گزارش اتحادیه اروپا درباره «قاچاق انسان»، گروه‌های جنایتکار در حال سوء استفاده از بحران «مهاجرت» در اروپا هستند و افراد را به زور به کار جنسی و اشکال دیگر از برده‌داری وادار می‌کنند. در این گزارش هشدار داده شده است که «کودکان» هدف ارجحی

برای قاچاقچیان هستند، و سرنوشت بیشتر کودکانی که بدون همراه وارد اروپا شده‌اند، نامعلوم است. حدود ۹۶۰۰۰ کودک بدون همراه در سال ۲۰۱۵ برای پناهندگی وارد اروپا شده‌اند، در حدود یک پنجم از تعداد کل پناهندگان کودک می‌باشند. باید گفت که از این تعداد تنها ورود ۱۰۰۰۰ کودک از طریق سازمان‌های رسمی اتحادیه اروپا گزارش شده است. در اوائل سال جاری، مقامات آلمانی گزارش کردند که حدود ۴۷۰۰ کودک به دست مقامات سپرده شده‌اند؛ در حالی که طبق گزارش هفته گذشته در سوئد ۱۰ کودک ناپدید شده‌اند.

طبق گزارشی که توسط کمیسیون اروپا در پنجشنبه گذشته منتشر شده است، هشدار داده شده است که پدیده «قاچاق کودکان» به علت بحران مهاجرت تشدید شده است؛ هر چند این گزارش تعداد افرادی که اسیر باندهای جنایتکار شده‌اند را تخمین نزده است.

«گروه‌های جرائم سازمان یافته» کودکان را تحت عنوان استخدام با نرخ نسبتاً ارزان می‌فروشند. کودکان قاچاق بین سنین ۶ ماه تا ۱۰ سال خرید و فروش می‌شوند و اغلب به مبلغ (۳۰۰۰ یورو) ۴۰۰۰ یورو تا ۸۰۰۰ یورو فروخته می‌شوند که اغلب همان مبلغ ۴۰۰۰ یورو گزارش شده است. مقامات اتحادیه اروپا نام ۱۵۸۴۶ قربانی قاچاق را در ۱۴-۲۰۱۳ ثبت کرده‌اند که ۲۳۷۵ نفر از آنها کودک هستند. نویسندگان این گزارش معتقدند که تعداد واقعی قربانیان به مراتب بالاتر از این رقم است. حدود یک پنجم (۲۱٪) از این افراد به کار اجباری وادار شده‌اند و اغلب به عنوان کارگر کشاورزی اجیر گشته‌اند که شکلی از برده‌داری است و بیشتر بر بهره‌برداری از مردان متمرکز است. باقی مانده قربانیان اغلب به عنوان کارگر خانگی استثمار می‌شوند.

نویسندگان این گزارش زنگ خطر را در مورد قاچاق زنان و دختران از «نیجریه» به «ایتالیا» به صدا درآورده‌اند. قاچاقچیان از مسیرهای «مهاجرت قانونی» و متقاعد کردن اتباع غیر اتحادیه اروپا برای «پناهندگی» و یا «اخذ اقامت»، افراد را فریفته و مورد سوء استفاده قرار می‌دهند.

«کاترین بریدر» یک مقام مسئول می‌گوید: «آمار رسمی این تجارت ننگین شرم آور است. قربانیان قاچاق در صورتی که دستگیر شوند، فرار می‌کنند. بسیار، بسیار برای من

تکان دهنده است که اغلب نیروهای پلیس این جرم و جنایت را می‌بینند و تنها از آن تحت عنوان «مهاجران غیرقانونی» یاد می‌کنند.

ماه گذشته قطعنامه ضد قاچاق در پارلمان اروپا جهت نجات قربانیان و کمک به بهبود آنها تصویب شد.

کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۳۰ روز دوره بهبودی برای افراد قربانی در نظر گرفته‌اند که طی آن دولت‌ها متعهد به ارائه «محل اقامت»، «درمان پزشکی» و «مشاوره حقوقی» به این افراد هستند. «انگلستان»، دوره درمان را ۴۵ روزه در نظر گرفته است.

«کاترین بریدر» می‌گوید: «برای بازیابی این افراد به دوره طولانی تری نیاز است. عمق مشکل جایی است که فرد به عنوان برده جنسی فروخته شده باشد. نیاز است تا از افرادی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند به طور قانونی حفاظت کنیم تا بهبود یابند. متأسفانه، برخی از دختران به طور پیاپی مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند و نیاز به حمایت و پشتیبانی طولانی مدت دارند.» وی همچنین از دولت‌ها خواست تا «بحران مهاجرت» را درک کنند. هنگامی که مهاجران به دنبال رسیدن به سواحل اروپا هستند و راه بازگشتی پشت سر خود نمی‌بینند؛ طعمه خوبی برای قاچاقچیان هستند. سال گذشته با همکاری اینترپول ۲۵۰ قاچاقچی انسان طی عملیات‌های مشترکی بازداشت شدند. «کوپر» می‌گوید: «اخراج از اروپا می‌تواند یک هدیه به این مجرمان برای ادامه دادن تجارت شیطانی شان باشد.»

منبع:

<http://www.theguardian.com/world/2016/may/19/human-traffickers-using-migration-crisis-to-force-more-people-into-slavery>

قاچاق انسان یک جنایت است!

نویسنده: مرتضی رجائی خراسانی، پژوهشگر علوم سیاسی و اقتصادی

«قاچاق انسان» حقیقت دردناکی است که در سرتاسر جهان در حال وقوع است. آنچه که قربانیان تجربه می‌کنند، به سختی قابل جبران است. کسانی که در دام «برده‌داری نوین» اسیر می‌شوند، اغلب شناختی در مورد آنچه که برای آنها اتفاق خواهد افتاد؛ ندارند. طبق آمارهای سازمان ملل متحد، میلیون‌ها نفر در سراسر جهان قربانی قاچاق انسان بوده‌اند.

دولت‌ها می‌توانند در این میان نقش مهمی ایفاء کنند. آنها با تدوین قانونی جامع برای مبارزه با قاچاق انسان می‌توانند نقشی حفاظتی در برابر این جنایت داشته باشند و بایستی مجازاتی متناسب با جرم برای مجرمان در نظر گرفته شود و تلاش‌های مؤثری در راستای مبارزه با جرم و جنایت صورت گیرد. همچنین، با دادن آگاهی به مردم می‌توان آنها را با شیوه‌های برده‌داری نوین آشنا ساخت و به راحتی جلوی قربانی شدن افراد بیشماری را در سراسر جهان



گرفت. باید سیاست دولت‌ها و ساختارهای حقوقی به سمتی حرکت کنند تا فرصت‌های مناسبی برای این قربانیان ایجاد شود، در صورتی که از این قربانیان حمایت صورت گیرد و یا خدمات مناسبی به آنها ارائه شود، آنها می‌توانند به زندگی عادی بازگردند، از جمله: حمایت از مهاجران.

یکی از بزرگترین چالش‌های ضد قاچاق، تلاش برای پیدا کردن قربانیان و خارج کردن آنها از آسیب است. اگر قربانی در دام سوء استفاده و بهره برداری باندهای قاچاق افتاده باشد، شناسایی آنها دشوار است، اما دولت نمی‌تواند منتظر بنشیند تا قربانیان خود را معرفی کنند، بلکه باید جمعیت‌های آسیب پذیر را شناسایی کرده و آنها را غربالگری کند. باید در نظر داشت که با یک قربانی نمی‌توان مانند یک مجرم برخورد کرد.

یکی از بهترین راهکارها برای شناسایی قربانیان کمک گرفتن از سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) و سازمان‌های بین‌المللی است. کسانی که تجربه و تخصص کافی در شناسایی قربانیان قاچاق انسان و توجه به نیازهای آنان دارند. رفع فوری نیازهای قربانیان قاچاق پس از شناسایی ضروری است. این افراد اغلب آزارهای فیزیکی و روانی وحشتناک دیده‌اند و یا متحمل سوء استفاده‌های جنسی از سوی قاچاقچیان و یا افراد دیگر شده‌اند. افرادی که به بردگی گرفته شده‌اند از حق آزادی خود درباره زندگی شان محروم مانده‌اند. آنها از مراقبت‌های پزشکی محروم شده‌اند و به واقع یک قربانی می‌باشند.

هنگامی که قربانیان شناسایی شدند، بایستی فوراً خدمات بهداشتی به آنان ارائه شود و برای حفاظت این افراد نیاز است که فرد و خانواده‌اش از مشاوره‌های لازم روان‌درمانی بهره‌مند شوند. این خدمات به صورت ابتدائی برای کاهش بحران ضروری هستند، اما نیاز است تا در درازمدت ادامه یابند. در روند بهبود به این افراد کمک می‌شود تا «اعتماد به نفس» و «شخصیت خود» را مجدداً دریابند و به زندگی خود در آینده ادامه دهند.

نقش رسانه‌ها نیز در پیشگیری از جرم پررنگ است، چنانچه گزارش‌هایی از قاچاق انسان با جزئیات بیشتر جهت آگاهی عمومی انتشار یابد و مردم از عواقب این کار آگاه شوند و ترفندها و حیل‌هایی را که باندهای مخوف قاچاق انسان به کار می‌برند، را بهتر بشناسند؛ کمتر به دام می‌افتند. با توجه به اینکه قاچاق انسان سودآورتر از قاچاق مواد مخدر برای باندهای مخوف جرائم سازمان یافته است - چراکه یک انسان بارها فروخته می‌شود - لذا این جرم در حال گسترش است و نیازمند توجه فوری دولت‌ها با تصویب قانون محکم و آماده کردن پیش ساخت‌ها در جامعه جهت کاهش آسیب است.

هروئین بلایی خانمان سوز!

پژوهشگر: فاطمه مهسا کارآموزیان

«هروئین» یک فرآورده خام از «دیامورفین» است. این یک محصول نیمه صنعتی است

که از استیله کردن مورفین و از تریاک به دست می‌آید. «دیامورفین» یک داروی مخدر «ضد درد» هست که برای تسکین دردهای شدید بکار می‌رود. «دیامورفین» برای اولین بار در «قرن نوزدهم» ساخته شده است.

شیرابه‌ای را که از کپسول خشخاش استخراج می‌شود، خشک می‌کنند. این مواد (تریاک) در یک محلول آبی از «آهک هیدراته» (هیدروکسید کلسیم) حل می‌شود. سطح قلیایی مواد با افزودن «کلرید آمونیوم» تنظیم می‌شود، که پایه آن مورفین است. «انیدرید استیک» با «مورفین» جدا شده جوشانده می‌شود و «کربنات سدیم» به آن اضافه می‌شود. «دیامورفین» خام بسته به نوع منطقه ممکن است، به صورت تصفیه شده و یا به صورت نمک هیدروکلراید؛ بطور مستقیم مصرف شود. «هروئین»، را ممکن است به صورت سیگاری استعمال کنند و یا در یک اسید ضعیف حل کرده و تزریق نمایند. «افغانستان» بزرگترین تولید کننده غیرقانونی «تریاک» در جهان و تولید کننده مواد خام برای هروئین است.

جالب است بدانید که «انیدرید استیک» استفاده‌های مشروع بسیاری به خصوص در صنعت داروسازی دارد (به عنوان مثال برای تولید آسپرین). از طرف دیگر، «انیدرید استیک» به عنوان یک عامل استیله جهت تبدیل مورفین به هروئین استفاده می‌شود، و ماده شیمیایی اصلی مورد استفاده در تولید هروئین است. با توجه به اینکه تولید و تجارت «انیدرید استیک» در جهان قانونی است و ابعاد آن گسترده است، جلوگیری از تولید غیرقانونی وظیفه‌ای بسیار دشوار است.

طی سال ۱۹۹۰ میلادی، در اروپا مصرف هروئین رواج پیدا کرد. با افزایش میزان تزریق، نگرانی در مورد ویروس‌هایی که به علت مصرف مواد مخدر سبب نقص در سیستم ایمنی بدن می‌شوند مانند: ویروس ایدز (HIV) و هپاتیت C (HCV)، فوت ناگهانی به علت اور دوز و خشونت افزایش پیدا کرد.

امروزه، شاخص‌های کلی نشان می‌دهند که مصرف هروئین رو به کاهش است. در برخی از کشورها مصرف مواد مخدر صنعتی از قبیل: داروهای صنعتی، تولید غیرقانونی فنتانیل - fentanyl - (مواد مخدر مصنوعی با قدرت بالا همراه با مرگ و میر زیاد به علت اوردوز) و حتی محرک‌هایی مانند کاتینونز - cathinones - جایگزین شده‌اند. تولید هروئین در اکثر کشورها با قوانین کیفری سختی مواجه است، به طور مثال، در «ایرلند» محدوده مجازات تا حبس ابد است. تلاش شده است تا مجازات‌های تعیین شده از سوی دادگاه برای قاچاق مواد مخدر هم‌تراز جرم باشد. مجازات باید "مؤثر، متناسب و بازدارنده" باشد. در چارچوب تصمیم‌گیری قانونی پیشنهاد شده که اشد مجازات برای افرادی در نظر گرفته شود که در قاچاق مقادیر زیادی از مواد مخدر دست داشته‌اند و یا حین جرم مرتکب خشونت و قتل شده‌اند. نتیجه یک بررسی در ایالات متحده نشان داده است که برای افرادی که مرتکب جرم‌های سبک تر شده‌اند - چنانچه مدت کوتاهی زندان در نظر گرفته شود - این افراد پس از گذراندن دوران محکومیت خود کمتر تمایل بازگشت به جرم را از خود نشان داده‌اند و این در حالی است که افرادی که مدت زیادی را در زندان سپری کرده‌اند آنجا را به عنوان خانه خود پذیرفته و از بازگشت به آن ابایی ندارند. همچنین، لازم به ذکر است که هر یک از این مجازات‌ها بر بازار مواد مخدر اثر دارد که هنوز ناشناخته است.

منبع:

<http://europa.eu>



جنگ آب پیامد بحران آب: چالش‌ها و راهکارها

قسمت اول

پژوهشگر: دکتر امید نوری
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

جنگ آب در جهان

جنگ آینده، جنگ «سلطه» و یا جنگ «نفت» نیست، شاید «انرژی» بحران روز باشد، اما جنگ انرژی نیست. جنگ آینده تقابل ادیان، جنگ‌های قومی و مذهبی نیست؛ در عطش تشنگی در گرمای روز افزون زمین بر اثر تغییرات اقلیم و رشد فزاینده جمعیت؛ جنگ، «جنگ آب» است. آب از دیرباز عامل نزاع آدمیان و به طور کل جانوران بوده است و باروند کاهش آب شیرین و آلودگی آب تلاش بشر برای دستیابی به این مایه حیات بیشتر و جدی تر از گذشته شده و دور از ذهن نیست تا جنگ‌های آینده جهان بر سر منابع آب صورت گیرد، هر چند که هم اکنون نیز می‌توان نمونه‌هایی از آن را مشاهده کرد.

در ۵۰ سال گذشته ۳۷ مورد خشونت بین کشورها بر سر آب گزارش شده است که همه آنها جز ۷ مورد به خاورمیانه مربوط می‌شوند. **چنانکه طبق اعلام مطالعات سازمان ملل متحد کمبود آب مشکلی حاد در سراسر خاورمیانه است.** یکی از عوامل تشدید تضادهای بین‌المللی، بیش از ۲۵ رودخانه مرزی و مشترک است که بین ۱۴۵ کشور جهان به وجود آمده‌اند و با افزایش جمعیت این کشورها و نیاز بیشتر به آب طبیعتاً درگیری‌ها و برخوردهایی بین کشورهای همجوار و ذی‌نفع بر سر آب‌های مشترک هم شدت بیشتری خواهد گرفت؛ برای مثال، رودخانه «فرات» در سر کشور «ترکیه»، «سوریه» و «عراق» نمونه بارزی است. از اینکه کشورهای بالادست (ترکیه) می‌تواند با احداث سدهای مخزنی و کنترل آب‌های کشورهای پایین دست از سهمیه خود محروم کنند. نمونه دیگر در خاورمیانه رودخانه «هیرمند» بین «ایران» و «افغانستان» است که سالهاست از موارد اختلاف بین دو کشور محسوب می‌شود.

شماری از کارشناسان جهان و منطقه آسیا و محققان، «جنگ جهانی سوم» را



ناشی از کمبود آب دانسته و اطمینان دارند که این جنگ از شرق آسیا بین دو کشور «چین» و «هند» که هر دو علاوه بر بحران آب، بحران رشد جمعیت هم دارند، شروع شده و در ادامه به منطقه خاورمیانه و سرزمین‌های اشغالی رسیده و پس از عبور از اروپا وارد آمریکا می‌شود.

در بسیاری از کشورها آب نوعی منبع استراتژیک محسوب می‌شود. بسیاری از جنگ‌ها از جمله: جنگ شش روزه در خاورمیانه بر سر بدست آوردن منابع آبی بیشتر صورت گرفت. موضوع کلیدی «آب» در برخی از کشورها به عنوان اهرم برای اعمال فشار استفاده می‌شود؛ این اعمال زور هم از سوی کشورهای دارنده این منبع، و هم از سوی کشورهای نیازمند آب صورت می‌پذیرد. به عنوان مثال، می‌توان به «اتحادیه جماهیر شوروی سابق» اشاره کرد. پس از فروپاشی «اتحادیه شوروی» همواره جدال بر سر منابع و انرژی در منطقه آسیای مرکزی وجود داشته و اکنون بحران آب در منطقه فوق‌الذکر به موضوع بین‌المللی تبدیل شده است. منابع آبی منطقه آسیای مرکزی تمرکز بیشتری در کشورهای «قرقیزستان» و «تاجیکستان» دارند و کشورهای «قزاقستان»، «ازبکستان» و «ترکمنستان» از مهمترین مصرف‌کنندگان این منبع محسوب می‌شوند و همین امر باعث شده کشمش‌های زیادی در این منطقه بوجود آید.

از جمله جنگ‌ها و درگیری‌های احتمالی در آینده می‌توان به درگیری میان «رژیم صهیونیستی-اردن» و «فلسطین-ترکیه» و «سوریه-چین» و «هند-آنگولا» و «زامبیا-ایتوبی» و «مصر-بنگلادش» اشاره کرد.

نکته با اهمیت این است که خسارت ناشی از کمبود آب بیشتر از خسارت ناشی از سایر مخاطرات محیطی مانند: «سیل»، «زمین‌لرزه»، «طوفان» و غیره می‌باشد و اثرات ناشی از بحران آب در بخش‌های مختلف: «کشاورزی»، «اجتماعی»، «اقتصادی»، «بهداشتی»، «روابط بین‌المللی» و همچنین زیست محیطی به صورت تدریجی ظاهر



می شود و اثرات منفی از خود به جای می گذارد، به همین دلیل کمبود آب تبدیل به یک «چالش» و یا «بحران» شده است. در صورتی که تمهیدات لازم برای مقابله و کاهش اثرات نامطلوب بحران آب اندیشیده نشود، این بحران تبدیل به جنگ و تنش ما بین کشورها می شود که اثرات جبران ناپذیری را در بر خواهد داشت.

آنچه ضروری می نماید ایجاد اقدام جهانی برای تضمین امنیت دسترسی به آب سالم برای همه جهانیان است. همچنین، محسوب نمودن برخورداری همگان از «آب» به عنوان یکی از عوامل اساسی «حقوق بشر»، «تدوین سیاست های ملی و منطقه ای» و «افزایش کمک بین المللی به کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته» در کنار برنامه اقدام جهانی برای حل معضل بحران آب بسیار موثر است.

خشکسالی جزء بلاهای طبیعی نامحسوسی است که در کل حاصل کمبود بارش طی یک دوره ممتد زمانی به طور معمول یک فصل یا بیشتر است و این کمبود منجر به نقصان آب می شود و دمای بالا، باد شدید و رطوبت نسبی پایین ترین در بسیاری از نقاط جهان با این پدیده همراه شده و به طرز قابل ملاحظه ای بر شدت آن می توانند بیفزایند.

خشکسالی های اخیر در هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، نتایج اقتصادی، تاثیرات زیست محیطی و دشواری های شخصی به بار آورده که جملگی باعث شده اند که آسیب پذیری تمامی جوامع به این پدیده زیان بخش طبیعی مد نظر قرار گیرد.

در حال حاضر، هیچ کشوری عملاً برای منابع آب درگیر جنگ نشده اما متخصصان هشدار می دهند روزی منابع موجود آب، کفاف مصرف جمعیت جهان را نخواهد داد و جنگ بر سر منابع آن بین کشورها آغاز خواهد شد. **این پیش بینی با بررسی رقم رشد مصرف آب به میزان دو برابر رشد جمعیت در آینده نزدیک دور از ذهن نخواهد بود.**

یکی از مهم ترین مواردی که بسیاری از سیاست‌ها به آن توجه دارند، بحث آب و به موازات آن «بحران آب» و تبعاتی است که می‌تواند در اثر نبودش برای مردم جامعه و حتی یک حوزه زیست محیطی دشواری‌های زیادی ایجاد کند. بطور کلی حدود ۷۰ درصد از سطح زمین را آب فرا گرفته است، ولی متأسفانه بحران آب در بسیاری از کشورهای جهان از جمله: کشورهای کمربند خشک زمین مثل ایران، به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی فراروی آینده جوامع خواهد بود.

در ایران نیز ۱۴ سال است که کشورمان به صورت مستمر با پدیده خشکسالی مواجه شده و شرایط میزان بارندگی‌های نسبت به سال‌های قبل بحرانی تر شده است.

باید توجه داشت مقدار سرانه مصرف آب به شدت در حال افزایش است. دلیل این امر به افزایش سطح رفاه و به تبع آن تنوع نیازهای آبی مربوط می‌شود، لذا آنچه مسلم زنگ‌های خطر کم آبی به صدا درآمده و باید راهکارهایی برای آن اندیشید و با جدیت دنبال کرد که از جمله آنها تولید محصولات با مصرف آب کمتر، رقابت کمتر بر سر آب، نیاز کمتر به توسعه و ساخت سازه‌های زیربنایی، افزایش ایمنی و امنیت تولیدات غذایی، فرهنگ‌سازی برای صرفه جویی و درست مصرف کردن است.



سرطان ریه و ارتباط آن با مصرف سیگار

دکتر فاطمه رجبی پور

فوق تخصص خون و آنکولوژی، متخصص کودکان و نوزادان

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران



۹۵٪ از تومورهای ریه از «اپی تلیوم برونشی»

و از نوع «برونکوژنیک» است.

شیوع سرطان ریه در مردان دو برابر زنان است.

میان شیوع «سرطان ریه» و «مصرف سیگار» رابطه خطی وجود دارد. در افراد سیگاری که بیش از دو پاکت در روز را به مدت بیست سال سیگار می‌کشند، خطر «سرطان ریه» شصت برابر بیشتر از غیر سیگاری هاست. نکته مهم این است که زنان نسبت به مردان حساسیت بیشتری نسبت به «کارسینوژن‌های تنباکو» دارند. سیگاری‌های پاسیو نسبت به غیر سیگاری‌ها دو برابر بیشتر در برابر احتمال ابتلا به سرطان ریه قرار دارند. استعمال «پیپ» و کشیدن «سیگار برگ» جزء ریسک فاکتورهای «سرطان ریه» است.

متأسفانه، افراد مبتلا به سرطان پیش‌آگهی خوبی ندارند؛ چراکه ۵۰٪ موارد در زمان تشخیص بیماری با متاستازهای دور دست و متاستاز غدد لنفاوی اطراف همراه هستند. درمان سرطان ریه، جراحی و شیمی‌درمانی با و یا بدون رادیوتراپی است. از سرطان‌های دیگری که ارتباط صد در صدی با مصرف سیگار دارند، «سرطان حنجره» است که با خشونت صدا در مردان بالای چهل سال که سابقه مصرف سیگار دارند، همراه است.

اختلال مهارت‌های حرکتی

سروناز امیری، روانشناسی بالینی

کودکانی که هماهنگی حرکتی رشدی دارند، برای انجام صحیح فعالیت‌های حرکتی روزمره نظیر: «پريدن»، «لی لی کردن»، «دویدن» یا «گرفتن توپ» تلاش میکنند. همچنین، کودکان از مشکلات هماهنگی برای «کاربرد صحیح وسایل و ابزار»، «بستن بند کفش» یا «نگارش» عذاب می‌کشند. کودکی که دچار اختلال رشد هماهنگی است به دلیل «ناشی گری» و «حالت دست و پا چلفتی» در دستیابی به نقاط شاخص حرکتی نظیر: «نشستن»، «خزیدن» یا «راه رفتن تأخیر» داشته باشد؛ در حالی که مهارت‌های کلامی می‌تواند در حد عالی باشد.

اختلال رشد هماهنگی ممکن است به صورت ناشی‌گری در مهارت‌های حرکات ظریف و درشت تظاهر کند و منجر به عملکرد ضعیف ورزشی و حتی ضعف در پیشرفت تحصیلی به دلیل ضعیف بودن مهارت‌های نگارشی می‌شود. کودک مبتلا ممکن است بیش از برادر و خواهرهایش با اشیاء برخورد کند.

در حال حاضر شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد «مشکلات پری‌ناتال» نظیر: «نارسی»، «وزن کم هنگام تولد» و «هیپوکسی» ممکن است در بروز «اختلالات رشد هماهنگی» نقش داشته باشند. در کودکان دچار «اختلال رشد هماهنگی» خطر بروز اختلالات زبان و یادگیری بیشتر است. بین مشکلات تکلم و زبان با مشکلات هماهنگی حرکتی ارتباط قدرتمندی وجود دارد و نیز مشکلات هماهنگی حرکتی با بیش‌فعالی، تکانش‌گری و گستره محدود توجه ارتباط دارد.

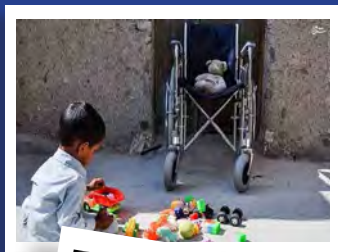
کودکان دچار اختلال رشد هماهنگی ممکن است به دلیل ناتوانی در تسلط بر فعالیت‌های حرکتی مختص گروه سنی خود، شبیه کودکان کم‌سن‌تر به نظر برسند. برای مثال، کودکان دبستانی مبتلا به این اختلال در «دوچرخه‌سواری»، «اسکیت سواری»، «دویدن»، «لی لی کردن» یا «پريدن» مهارت ندارند. تظاهرات اختلال رشد هماهنگی در حرکات ظریف اصولاً عبارتند از: «ناشی‌گری در کاربرد ابزارها»، «استفاده از قیچی» و «مشکل در بستن زیپ و دکمه» در گروه سنی پیش‌دستانی.

شیوع این اختلال در ۵ درصد کودکان سنین مدرسه تخمین زده میشود. پسرها بیشتر از دخترها مبتلا می‌شوند. در کودکان دچار این اختلال، ابتلا به اختلالات زبان و تکلم بیشتر دیده می‌شود و در مطالعات مربوط به کودکان دچار اختلالات تکلم، میزان بالایی از دست و پا چلفتی بودن گزارش شده است. اختلال رشد هماهنگی همچنین

با «اختلال در خواندن»، «اختلال ریاضیات» و «اختلال بیان نوشتاری» ارتباط دارند. در افراد مبتلا به این اختلال میزان بروز اختلالات «کم توجهی / بیش فعالی» بیش از حد مورد انتظار است.

مشکلات ثانویه در روابط با همسالان در کودکان مبتلا به اختلالات رشد هماهنگی، شایع است و ناشی از طرد این کودکان به دلیل عملکرد ضعیف آنها در ورزش و بازی های مستلزم مهارت های حرکتی خوب است. نوجوانان مبتلا اغلب عزت نفس پایینی دارند و دچار مشکلات تحصیلی هستند. علل اختلال رشد هماهنگی مشخص نیست، ولی فرضیات مختلف "هم علل عضوی و هم علل رشدی" را مطرح کرده اند. عواملی که در این اختلال، خطر ساز فرض شده اند عبارتند از: «نارسی»، «هیپوکسی»، «سوء تغذیه پریناتال» و «وزن کم هنگام تولد».

تشخیص این اختلال به ضعف عملکرد کودک در فعالیت های مستلزم هماهنگی (فعالیت های متناسب با سن و سطح هوش وی) بستگی دارد. به منظور غربالگری غیررسمی این اختلال می توان برای کودک تکالیفی معین کرد که نیازمند هماهنگی حرکات درشت (نظیر: پریدن، جهش و ایستادن روی یک پا)، هماهنگی حرکات ظریف (مثل: ضرب انگشتان، بستن بند کفش) و هماهنگی چشم و دست (نظیر: گرفتن یک توپ و کپی کردن حروف) است. در دوران شیرخواری و کودکی اختلال ممکن است بصورت تأخیر در شاخص های طبیعی رشد نظیر: «غلطیدن»، «خزیدن»، «نشستن»، «ایستادن»، «راه رفتن»، «بستن دکمه های پیراهن» و «باز و بسته کردن زیپ شلوار» تظاهر کند. بین ۲ تا ۴ سالگی دست و پا چلفتی بودن تقریباً در تمام فعالیت های مستلزم هماهنگی حرکتی ظاهر می شود. کودکان مبتلا قادر به نگهداری اشیاء نبوده و آن را روی زمین می اندازند. راه رفتن آنها نامتعادل است و اغلب موقع راه رفتن تلو تلو می خورند و وقتی می خواهند به طرف کودکان دیگر بروند به آنها برخورد می کنند.



در کودکان بزرگتر اختلال هماهنگی حرکتی ممکن است در بازی‌های روی میز، نظیر مرتب کردن قطعات پازل یا روی هم چیدن مکعب‌ها و هر نوع توپ بازی تظاهر نماید. بسیاری کودکان مبتلا به این اختلال دچار اختلال تکلم نیز هستند. ناشی‌گری حرکتی معمولا با اختلال عملکرد در تکالیف شناختی دیداری - فضایی همراه است.

در مداخلات مربوط به کودکان دچار اختلال هماهنگی از وجوه متعددی شامل: «مواد بصری»، «شنیداری» و «لمسی» استفاده می‌شود که هدف آنها آموزش حرکتی ادراکی برای تکالیف حرکتی اختصاصی است. درمان اختلال رشد هماهنگی عموما شامل انواعی از برنامه‌های ادغام حسی و آموزش فیزیکی تعدیل شده است. برنامه‌های ادغام حسی را معمولا کاردرمانگرها انجام می‌دهند و شامل: فعالیت‌های جسمی است که آگاهی فرد از کارکرد حسی و حرکتی را افزایش می‌دهد.



یک استراتژی ساده برای کاهش گرسنگی جهانی

پژوهشگر: دکتر غلامرضا شریفی سیرچی
متخصص بیوتکنولوژی کشاورزی

از آنجا که هسته اصلی مشکل کمبود مواد غذایی وابسته به ذخیره جهانی غذا نیست، لذا می‌توان یک راه حل اضطراری کوتاه مدت برای آن در نظر گرفت. کاهش گرسنگی نیازمند یک رویکرد دو رشته‌ای برای مقابله با آن است. نخست، افزایش درآمد فقرا برای کسب معیشت بهتر است، به طوری که استطاعت خرید مواد غذایی را داشته باشند و دوم دسترسی فوری و مستقیم به مواد غذایی برای خانواده‌های نیازمندان است.

هفتاد درصد مردم در مناطق روستایی – جایی که حمل و نقل و یا فرآوری مواد غذایی در آنجا وجود ندارد – گرسنه هستند. تجربه کشورهای که در کاهش گرسنگی و سوء تغذیه موفق بوده‌اند، نشان داده است که کشاورزی مبنای رشد اقتصادی

در میان کشاورزان خرد است. با این حال، بسیاری از دولت‌ها در حال چشم‌پوشی از مناطق روستایی کوچک هستند، در حالی که مشکلات زندگی در شهرهای بزرگ – از جمله: بالا بودن قیمت مواد غذایی – کم نیستند. یک استراتژی مؤثر برای مبارزه با گرسنگی این است که به طور مستقیم حومه شهرها توسعه داده شوند و «جاده‌های بهتر»، «حمل و نقل»، «بازار»، «سیستم‌های آبیاری» و «برنامه‌های کشاورزی و آموزشی» با صرف مستقیم پول پیاده شوند. ما در واقع، نیازمند یک تلاش هماهنگ برای مبارزه با گرسنگی هستیم. نیاز است تا همه دولت‌ها، مؤسسات سازمان ملل متحد، و سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد در این راستا فعالیت کنند.

منبع:

<http://www.un.org/en/globalissues/briefingpapers/food/whatcanbedone.shtml>

پوسیدگی‌های وسیع‌دندانی در کودکان



مژگان حسنخانی
جراح، دندانپزشک

پوسیدگی در کودکان در طبقات پایین و متوسط شایع‌تر است و با افزایش سن شیوع پوسیدگی در کودکان بیشتر می‌شود.

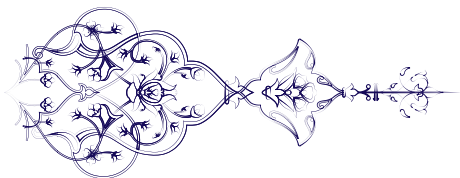
پوسیدگی Rampant:

«پوسیدگی ناگهانی»، وسیع و حفره‌ساز که معمولاً باعث درگیری عصب دندان می‌شود و با به هم خوردن تعادل محیط دهان همراه است که در نوجوانان شایع‌تر است. اختلالات عاطفی و ناراحتی‌های روحی از علل دیگری هستند که سبب افزایش مصرف «شیرینی» و «تنقلات» و «کمبود بزاق» می‌شود، همچنین، مصرف داروهای مثل: «مسکن‌ها و آرامبخش‌ها» به دلیل کاهش جریان بزاق از عوامل دیگر هستند.

پوسیدگی Nursing caries:

این نوع پوسیدگی معمولاً کودکان ۲ تا ۴ ساله را درگیر می‌کند. استفاده طولانی مدت و مکرر از شیشه شیر یا شیر خوردن از سینه مادر به مدت طولانی با ایجاد پوسیدگی زود هنگام همراه است. توصیه می‌شود والدین به محض رویش دندان‌های کودک آنرا مسواک بزنند و همزمان با توانایی کودک در خوردن شیر از فنجان، شیردهی را قطع کنند.

عبادت کردن به زیادی روزه و نماز نیست ، بلکه
(حقیقت) عبادت زیاد در کار خدا اندیشیدن است .
امام حسن عسکری (ع)، تحف العقول، ص ۴۴۸





انواع فرقه

پژوهشگر: فاطمه مهسا کارآموزیان

با توجه به اینکه بسیاری از فرقه‌های شناخته شده فرقه‌های مذهبی بودند، برخی مردم به اشتباه فکر می‌کنند که تمامی فرقه‌ها مذهبی هستند. یک فرقه می‌تواند حول هر محتوایی شکل گرفته باشد: «سیاست»، «مذهب»، «بازرگانی»، «فنون خود اشتغالی»، «روش‌های حفظ سلامتی»، «مطالب رمان‌های علمی»، «روانشناسی»، «پدیده‌های فضایی»، «مدیتاسیون»، «ورزش‌های رزمی»، «روش‌های زندگی مربوط به محیط زیست»، و غیره.

امروزه، فرقه‌های غیر مذهبی رشد سریعی دارند و با فرقه‌هایی با رنگ مذهب برای عضوگیری رقابت می‌کنند. این فرقه‌ها همان‌هایی هستند که حول تفکرات عصر جدید و تعالیم ارتقای شخصیتی، روش‌های زندگی یا برنامه‌های رفاهی متمرکز شده‌اند. گروهی از این فرقه‌ها این‌طور القاء می‌کنند که راه آنها تنها راه بودن، فکر کردن، یا زندگی کردن است، و برخی دیگر از فرقه‌ها مقولات خانوادگی را مد نظر قرار می‌دهند. بسیاری از گروه‌ها به سادگی به عنوان کلیسا یا معبد معرفی شده‌اند، مانند: «کلیسای آرماگدون». گروه‌های روان‌درمانی نام‌هایی نظیر: «مرکز احساس درمانی»، «پیروان قطبیت زنده»، «مرکزیت مستقیم» و «کنترل ذهنی سیلوا» دارند. این نوع فهرست بندی می‌تواند همچنان ادامه یابد، و نشان دهنده تعداد بیشمار فرقه‌ها در اطراف ماست.

در فرقه‌ها، مذهب، سیاست، یا اقتصاد، ابزاری برای خدمت به تمایلات، هوس‌ها و برنامه‌های پنهان «سرکرده» گروه می‌باشند. ایدئولوژی در فرقه‌ها، شمشیری دو لبه است. چسبی است که اعضای گروه را به هم وصل می‌کند و ابزاری است که توسط «سرکرده» برای رسیدن به اهدافش استفاده می‌شود. برای فهم فرقه‌ها باید «ساختار و عملکرد» آنها و «نه اعتقادشان» را مطالعه کرد، چرا که سوء استفاده‌کننده‌های ماهر برای تمکین پیروانشان روش بازسازی فکری به کار می‌برند، و این همان چیزی است که ماهیت فرقه‌ها را آسیب رسان می‌سازد.

هر فرقه‌ای جاذبه‌ها و شیوه‌های خاص خودش را برای جذب افراد جدید دارد. افراد معمولاً از هدف واقعی فرقه تا مدت طولانی بعد از جا افتادن در گروه مطلع نمی‌شوند. با این حال برخی محققین که عموماً اساتید دانشگاه هستند، افسانه‌ای بنام «افسانه جویندگان» مطرح می‌کنند و معنی آن این است که افراد خود در جستجوی فرقه‌ها

هستند. توجیه گران فرقه بر روی این پندار سرمایه گذاری کرده و ادعا می‌کنند که مردم خودشان به دنبال گروه معینی رفته و به آن می‌پیوندند، اما واقعیت آن است که پیوستن یک فرد به یک فرقه، در نتیجه یک روند اتفاق می‌افتد و آن را یک فرد «عضو گیر» به جریان می‌اندازد. «عضوگیرها» یا «مبلغین» فرقه برای جذب افراد تحت آموزشهای خاصی قرار گرفته‌اند. عملکرد فرقه‌ها روشن می‌سازد، که فرد عضو گیر با تبلیغ و معاشرت، عضو جدید را برای زندگی با شرایط گروه آماده می‌کند. افراد جذب شده در بدو ورود نمی‌دانند به کجا می‌روند و فرد عضو گیر شرایط گروه را از ابتدا آشکار نمی‌کند. پس چگونه افراد جذب شده می‌توانند جوینده چیزی باشند، وقتی که در خصوص طرح نهایی و محتوای گروهی که به آن می‌پیوندند، نا آگاه هستند؟

با آگاهی در مورد فرقه‌ها خود و عزیزانمان را از آسیب‌های غیر قابل جبران حفظ کرده و امنیت روانی جامعه را تأمین کنیم.



ایران، وطنم! یک لحظه جان من بی تو مباد!

گل دختر بابا، لالا!

داستانی زیبا از بانو صدیقه انجم شعاع

خانم «صدیقه انجم شعاع» یکی از هزاران زن دل‌آورد ایرانی است، که در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی به شهرهای جنگی رفته تا همسر رزمنده‌اش را در راه مبارزه و دفاع از دین و سرزمینش پشتیبانی و حمایت کند، نام این زنان وارسته در تاریخ ایران جاودان خواهد ماند.



«سید»، خواب هست یا بیدار نمی‌داند. افتاده است روی برفها. سردش نمی‌شود. تنش درد نمی‌کند. همه جا تاریک است. روی برفهای اطراف دست می‌کشد. برای اطمینان حاجی را صدا می‌زند:

- حاجی، زنده‌ای؟

- چرا نباشم.

- جاییت درد نمی‌کند؟

- هیچ جا، سالم تر از همیشه!

حاجی از جا نیم خیز می‌شود. صورتش از برف هم سفید تر است. می‌گوید: شاید داریم یخ می‌زنیم. او هم بر می‌خیزد. روی پا می‌ایستد. همه افتاده‌اند روی برفها. برق می‌زنند. می‌درخشند. جواب حاجی را می‌دهد: «ما نور شده ایم!»

«سعید» و «مهدی» و «قاسم» هم بلند می‌شوند. دست بر تن خود می‌مالند. همه جای بدنشان سالم است. عباس از همه کوچکتر است. می‌خندد. می‌پرد بالا.

جسم نداریم. روحیم!

«سید» چیزی یادش می‌آید: ما داشتیم پرواز می‌کردیم. با هواپیما. ولوله‌ای افتاد تو بچه‌ها. دستهایمان را به هم دادیم. آواز خواندیم. آواز پرواز. نسیمی وزید. بوی خوشی در هواپیما پیچید. سبک شدیم. لبخند زدیم. همه با هم. روحمان از جسم جدا شد و گوشت‌ها و استخوان‌هایمان پاشیدند، روی صخره‌ها.



شب فرا رسیده است. چراغ‌های شهر سو سو می‌زنند. سحر منتظر بابا، روبروی پنجره می‌نشیند. آسمان پر از ستاره را به عروسکش نشان می‌دهد.

می‌بینی، بابا با هواپیما از آن بالا میاد و می‌نشیند روی زمین. همین امشب. چند دقیقه دیگر!



مه غلیظ کنار می‌رود. ستاره‌ها چسبیده‌اند به مخمل مشکی آسمان. ناگهان شهابی می‌درخشد. هودجی از نور آرام آرام نزدیک می‌شود. می‌نشیند سر قله. فرشتگان سرازیر می‌شوند. بوی خوشی می‌پیچد در فضا. روح‌ها دور هودج حلقه می‌زنند. ملک‌های نگهبان، زنجیری از نور درست می‌کنند و می‌اندازند به گردن قله. «حاج محمد» جلو می‌رود. هودج غرق نور است. مسافر هم دارد. دقت می‌کند. بعضی‌ها را می‌شناسد. حاج یونس... حاج یونس پیاده می‌شود و به دنبالش شهدای دیگر. حاج محمد، حاج یونس را در بغل می‌گیرد. مثل روزهای جبهه.

چطوری دل‌اور؟ «حاج یونس»، سؤال می‌کند. «حاج محمد» دل پر دردی دارد. نارفتی کردید. پریدید بدون ما. نگفتید ما دق می‌کنیم.

وقتش نبود. حالا آمده ایم شما را ببریم.

بقیه هم، شهدای دیگر را در آغوش می‌گیرند. ماچ و بوسه. هم‌زمان به هم رسیده‌اند. جوانترها عکس شهدا را دیده‌اند. یکی می‌گوید: مثل روزهای جنگ. بابای مهدی، جوانی به شکل و قیافه خود می‌بیند. پسرش را نمی‌شناسد.

چقدر تو شبیه من هستی.

-ولی من شما را می‌شناسم پدر. عکس شما تو افاق منه !
-از چهار ماهگی ندیدمت .



بابا لالا... بابا لالا... گل دختر... بابا لالا، سحر عروسکش را می‌خواهاند. بابا دیر کرده است. مادر سر دخترکش را در آغوش می‌گیرد: بهتره بریم بخوابیم. بابا صبح میاد. نه... توی تلفن به من گفت شب میاد. شام هم که نخوردی... می‌خوام با بابا شام بخورم. دیر وقته. تو برو بخواب، اگر بابا اومد، بیدارت می‌کنم. سحر سرش را از آغوش مادر بیرون می‌کشد. خوشگلی... می‌خواهی گولم بزنی... می‌خواهی اول خودت در رو برای بابا باز کنی! باز هم برای عروسکش لالایی خواند. بی‌خوابی او به عروسکش هم سرایت کرده است. بابا لالا... بابا لالا... گل دختر بابا لالا... مادر می‌خندد، اما تلخ! دل او هم به شور می‌افتد. پس چرا «سید» نمی‌آید؟



«سید» به «یاسر» می‌گوید: بچه که نداری تو؟ «یاسر» لبخند می‌زند: نه بابا... تازه عقد کرده‌ام. پس تو هم کسی را داری که چشم انتظارت باشد؟ شاید... اما من خداحافظی با حالی کرده‌ام. دلم برای سحر تنگ شده. دخترم. می‌دانم هنوز بیداره. «سید»، ملک نگهبان را می‌بیند. به سوی او می‌رود. شانه به شانه او می‌ایستند. شهر را می‌بیند. همه شهر را. خانه مان آن روبروست. چراغش هنوز روشن است. می‌خواهد ملک نگهبان حرفهایش را بشنود. ملک می‌گوید: هنوز به دنیا وابسته‌ای؟ نه... نه... هیچوقت. همیشه آماده شهادت بوده‌ام. پس آماده باش چیزی به رفتن نمانده است. باید به بهشت برویم. «سید» هنوز نگران است. پس جسم‌هایمان چه می‌شود. کسی از حال و روز ما خبر ندارد! ملک نگهبان با خاطر جمعی جواب می‌دهد: دوستانتان با خبر شده‌اند. دارند می‌آیند. اما من با دخترم درست و حسابی خداحافظی نکرده‌ام. همینطور با همسرم.

خیلی‌ها اینجوریند. چشم انتظار بسیار است!



«سحر» طاقت نمی‌آورد. پلک‌هایش سنگین می‌شود. همانجا کنار پنجره می‌خوابد. مادر کنارش می‌نشیند. لالایی او را تکرار می‌کند. بابا لالا... بابا لالا... گل دختر... بابا لالا... لالایی سحر با همه لالایی‌ها فرق می‌کند. او برای بابایش لالایی می‌خواند. بابا لالا...



«سید» هنوز کنار ملک نگهبان ایستاده است. می‌خواهد اجازه بگیرد. هر جور شده او باید قبل از رفتن سری به خانه بزند. بیخ گوش ملک نگهبان پچ پچ می‌کند. ما اولاد پیغمبریم... و می‌خندد. اجازه بقیه را هم می‌گیرد. ملک نگهبان به روح‌ها نگاه می‌کند.

ما بدرقه اتان می‌کنیم. باید زود برگردیم.

روح‌هایی که برای رفتن به شهر تمایل دارند، دست در دست فرشتگان در فضا به پرواز درمی‌آیند.



سحر خواب است. مادرش هم همینطور. «سید» پشت پنجره می‌ایستد. زل می‌زند به صورت مهتابی سحر.

شما چرا نزدیک پنجره خوابیده اید؟ سرما می‌خورید.

صدایش را نمی‌شنوند. همسرش را صدا می‌زند.

نرگس... نرگس... روی بچه را ببوشان. تو که برای سحر خیلی وسواس به خرج می‌دادی!

ملک نگهبان می‌گوید: برو داخل خانه، من منتظرت می‌مانم. «سید» خوشحال

می‌شود. راه می‌افتد. مثل نسیم سبک و آرام.



«نرگس» چشم می‌گشاید. بوی خوشی به مشامش می‌رسد. «سحر» در خواب حرف می‌زد. مامان... بابا آمد بوسم کرد و رفت. معذرت خواهی کرد که دیر کرده. گفت برایش

کاری پیش آمده بود. گفت: باز هم می‌آید. ما را تنها نمی‌گذارد.

لبخند قشنگی نشسته بود روی لبهای «سحر». «نرگس» لبهایش را بوسید. لبهایش

عطر «سید» را داشت.

سیری در تاریخ

روزنامه‌های دوران مشروطه



► محمدرضا مساوات نفر اول نشسته از سمت راست

در ماه‌های نخست جنبش مشروطه یک رشته روزنامه در تهران و دیگر جاها پدید آمد و بنیادگزاران آنها تنها می‌خواستند که روزنامه‌ای در دست داشته باشند و دانسته‌های خود را بیرون ریزند؛ این بود که در نوشته‌هایشان بیشتر حول «حدیث»، «فلسفه»، «شعر» و «اصول» و این‌گونه چیزها می‌پرداختند، و هر یکی از آنان مشروطه را با دانش‌های خود درآمیخته و بدان سان که می‌خواست؛ معنی می‌کرد. این روزنامه‌ها چند ماهی پراکنده شدند و از میان رفتند. در این دوره کسی یا کسانی پیدا نشدند که معنی درست مشروطه را به مردم بفهمانند و چیز سودمندی درباره آن بنویسند. روزنامه‌های «مجلس»، «حبل‌المتین»، «صوراسرافیل»، «روح‌القدس»، «تمدن» و «ندای وطن» در تهران و «انجمن» در تبریز همچنان پیش می‌رفتند و تا نزدیکی‌های به توپ بستن مجلس چاپ شدند. گذشته از آنها در تهران روزنامه «مساوات» نیز بیرون آمد.

سید محمدرضا از اهالی «بrazجان» بود. در اوائل عمر در شیراز مشغول تحصیلات بود، بعد به تهران آمد و نزد «میرزا ابوالحسن جلوه» تحصیل می‌نمود. در دوره اول مشروطیت روزنامه «مساوات» را منتشر می‌کرد، بدین جهت به مساوات معروف شد و او چنان که می‌شناسیم یک مرد بی‌باکی می‌بود و در نوشتن این روزنامه از خود بی‌باکی و خیره سری نشان می‌داد. چنان که در یکی از شماره‌های روزنامه خود، داستان «لوئی شانزدهم» پادشاه فرانسه و گریختن او را از پاریس و سرگذشتش را نوشت و در پایان روی سخن را به «محمد علی میرزا» گردانیده به گفته‌های بیم‌آمیزی پرداخت و چنین نوشت: «مگر تصور می‌شود که بعد از این ایرانی دست از حقوق مشروع خود بردارد و دزدان را بی‌مکافات آسوده گذارد. نه والله نه باطله، هر کس این خیال را و تصور باطل را در خاطر مقدس پادشاه ما القاء نماید؛ به جمیع انبیاء و اولیاء قسم که خیانت صریح به مقام سلطنت نموده.....» این نمونه‌ای از نوشته‌های اوست.

(وجه اشتراك)

نكت نمره (طهران) يكبا سى
ساير بلاد ايران شيخ شاهی
ساليانه طهران (۱۲) قران
ساير بلاد ايران (۱۷) قران
علائق خارجه (۱۰) فرانك



ميرافا سيد محمد رضاى شيرازى

(طهران)

عنوان مراسلات اداره مساوات
مجملة هفته يکمرتبه طبع ميشود
وجه اشتراك پس از وسايدن
چهار نمره در يافت ميشود

« حریت »

« عدالت »

« اخوت »

يکشنبه ۱۰ شهر شوال المکرم ۱۳۲۵ هجرى قمرى و دى ماه جلايى ۸۲۹ و ۱۸ نوامبر ۱۹۰۷ ميلادى

قاطب شبلى عثمانى و جاهالکيه متبدين امسال چاپيده
وباغلاک يکسان کردند . تل (محال قلته) و
(گرگان رود) (و خوى) (و قراچه داغ)
و غيره وغيره گذاشته ميشود . وزن هشت کسرور
غير از يوناني بکفراناست که از حقوق و مشورتايکيه در
کسيون دست نخورده کسر ميشود (بنى همان قلعه)

« اصلاح بودجه يا نجات مملکت »

سپاهيون دنيا ودانستمدان ملل عالم امروز با و فتاوى
دولت را در انتظام ماليات مبدانند و باين شبهه لز شب
اعمال دولت از هم کار پيشتر اهميت مبدهند قوت

نام «سيد محمد رضا مساوات» به همراه «سيد جمال الدين واعظ»، «ملک المتکلمين» و «جهانگيرخان صور اسرافيل» در فهرست چهار نفرى بود که محمدعلى شاه پيش از به توپ بستن مجلس، درخواست تبعيد آنها را از ايران کرده بود، که با ايستادگى مجلس روبرو شد. «مساوات» پس از به توپ بستن مجلس در ۱۳۲۶ ه. ق از تهران گريخت و با زحمات زياد از راه مازندران و گيلان خود را به تبريز رساند و به ساير مشروطه خواهان پيوست و انتشار روزنامه مساوات را پي گرفت.

وى در شماره ۲۱ روزنامه اش گفتار درازى زير عنوان «شاه در چه حال است؟» نوشته، باز سخنان تندى گفته و چون محمد على ميرزا از عدليه دادخواهى کرد و از دادگاه «سيد محمد رضا» را خواستند، او نرفت و در يك شماره سراپا ريشخند به دادگاه نوشت (شماره ۲۲ که با دستور مجلس يا دولت بازداشته شد). او به اين بسنده نکرده و طومارى مبنى بر بدکاره بودن مادر «محمد على ميرزا» تهيه کرد و به بازار تهران برد تا مردم مهر کنند که کار سراپا به رسوايى کشيد. اين در روزهايى بود که «محمد على ميرزا» در نهران با «لياخوف» و روسيان گفتگو مى داشت، و بى گمان يکى از چيزهايى که او را به روسيان و خواست آنها نزديک گردانيد همين بوده. مى توان گفت که اين تندروى هاى بى اندازه روزنامه ها نيز به نوع خود تيشه به ريشه مشروطيت زدند. «احمد کسروى» در تاريخ خود اين کار «مساوات» را به لحاظ اخلاقى مورد انتقاد قرار داده است.

پاکیزگی و آراستگی ظاهر در اسلام

انسان به اقتضای فطرت جویای «پاکیزگی»، «زیبایی»، «تمیزی» و «آراستگی» است و از «ژولیدگی»، «پلیدی»، و «پریشانی» نفرت دارد. از آنجا که دین مقدس اسلام منطبق بر این فطرت الهی است، به پیروانش دستور می‌دهد تا همواره مظاهر «زشتی» و «پلیدی» و «بوهای بد و نفرت‌انگیز» را از خود و محیط زندگی خویش دور سازند و خود را به ویژه هنگام برخورد با دیگران زینت دهد و با ظاهری آراسته و زیبا در معرض دید هم‌نوعان خود ظاهر شوند.

از نظر «قرآن کریم»، استعداد درک زیبایی از جمله مواهب فطری خداوند در روح آدمی است و وجود موجودات زیبا در جهان، پاسخ به این خواسته فطری بوده و نعمتی از نعمت‌های گرانبهای آفریدگار حکیم است. «قرآن کریم» انسان‌ها را به آراستگی و برگرفتن زینت‌های خود، هنگام رفتن به مساجد دعوت می‌کند، که البته این توصیه منحصر به آرایش ظاهری نبوده و زینت‌های معنوی مانند: «طهارت» و «تقوا» را نیز شامل می‌شود. باید گفت که نظر کسانی که به غلط آراستگی و زینت را با دین و تعالیم آسمانی مغایر می‌پندارند، مردود است.

در سیره پیامبر (ص) آمده است که هرگاه ایشان قصد خروج از منزل یا پذیرفتن کسی را داشتند، موی سر خود را شانه می‌زدند، سر و وضع خود را مرتب می‌کردند، خویش را می‌آراستند و برای آنکه تصویر خود را ببینند در ظرف آبی می‌نگریستند. وقتی علت این امور را پرسیدند، فرمودند: «خداوند متعال دوست دارد، هنگامی که بنده‌اش به سوی برادرانش می‌رود، خود را برای دیدار آنان آماده کند و بیاراید.»

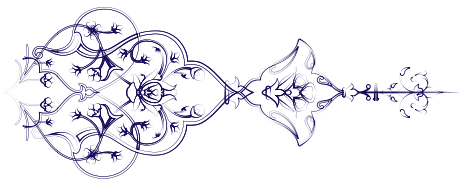
از آنچه گفته شد، نتیجه می‌گیریم که اسلام، روی اصل آراستگی ظاهر (همچون آراستگی باطن) تاکید کرده است. بنابراین، باید توجه داشت که اگر مسلمانی با وضع آشفته و ظاهری زشت و پریشان در جامعه ظاهر شود، وجود او یکی از وسایل تبلیغ علیه اسلام خواهد بود. وارستگی از قید ظواهر، هرگز به این معنا نیست که شخص خود را از هرگونه آرایش ظاهری محروم کند و بدین وسیله در نظر دیگران خوار و بی‌مقدار جلوه نماید.

برگرفته از کتاب: آداب معاشرت، نویسندگان: سید محمد مقدس نیا و محمد مهدی محمدی.



ناتوان ترین مردم کسی است که از یافتن دوست
ناتوان باشد،
و ناتوان تر از او کسی است که دوستی را که یافته از
دست بدهد.

از فرمایشات حضرت علی (ع)، نهج البلاغه.



سبک‌های نقاشی

روکوکو تا کلاسی سیسم‌نو

کارشناس هنری: بانو مژگان بروکوک رام
اثر هنری از بانو مژگان بروکوک رام

«روکوکو»، توسط ایتالیایی‌ها از واژه فرانسوی «روکای» به معنای: صدفها و سنگهای خرد و نامنظم مشتق شده، و در فضاهای داخلی معماری و صنایع دستی استفاده می‌شد. اما اطلاق آن به سبک نقاشی تازه‌ای که در برابر کلاسیک به وجود می‌آید، بی‌مناسبت نبود. از «روکوکو»، در طراحی‌های ظریف به جای طراحی سنگین کلاسیک استفاده می‌شد. «کلاسی سیسم» در قرن هفدهم سبک درباری بود ولی «روکوکو» سلیقه اشراف بود.

پیروزی «روکوکو» در فرانسه با رهایی اشرافیت از قید حکومت «لویی چهاردهم» مقارن شد که به استقبال هنری بی‌قید و لذت بخش می‌رفت. در دوران «رژانس» یا «نیابت سلطنت» (۱۷۲۳) روش خشک آکادمیک در هنر زیر سؤال رفت و «آزادمنشی» جای «مطلق‌گرایی» را گرفت. یکی از کسانی که توانست این تغییرات را به وجود آورد، نابغه‌ای بود به نام «آنتوان ژان واتو».

کارهای «واتو» برخلاف آن دوران ابعاد بزرگ ندارند و مشتریان اغلب دوستانش هستند و در نقاشی‌هایش آدمهای سبکبال و زنده و نه پیکرهای عروسک مانند دیده می‌شود. مثلا، در نقاشی‌هایی که از اعیاد و جشن‌ها می‌کشد؛ شادمانی و دلتنگی دیده می‌شود. نقاشان ونیزی نقشی مهم را در اشاعه سبک «روکوکو» ایفاء می‌کنند و مهم‌ترین آنان «فرانچسکو گاردی» و «جوانی باتیستا» هستند. فرمانروایان آلمانی



واتریشی بیشتر خواستار این سبک هنر بودند که در این کشورها معماری باشکوهی به وجود آورد.

بعد از مرگ «واتو» دوستش «فرانسوا بوشه» به این کار ادامه می‌دهد. پس از او شاگردانش «ژان انوره فراگنار» است. او نیز در آثارش نظیر همان رویاهایی آکنده از عشق و زیبایی صورت اشرافیت را می‌نمایند. او از استادش فراتر می‌رود. کارهای او در زمان انقلاب فرانسه به تصویرهای پوچ معرفی می‌شود و مورد انتقاد قرار می‌گیرند. او در فقر و ناامیدی از دنیا می‌رود.

واقعیت این که نقاشانی چون «فراگنار» بار دیگر هنر نقاشی را از مسیر حقیقت جویی منحرف کردند و این با آرمانهای فرهنگ بورژوازی سازگار نبود.

انگلستان که نوع حکومتش مورد ستایش روشنفکران اروپایی بود، موضوع‌های اخلاقی نو را به وجود آورد. او «ویلیام هاگارت» بود، هاگارت تحت تأثیر رنگ آمیزی جاندار نقاشان «روکوکوی» فرانسوی قرار گرفت. بهترین آثارش صحنه‌های زندگی روزمره بودند که تاریخ کاملی را از دیدگاه اخلاقی بورژوازی روایت می‌کردند. او به سبب کارهایش توانست محبوبیت زیادی بین مردم پیدا کند و این باعث تحول در نقاشی انگلستان شد. بدینسان نقاشی در مسیر تعهد اجتماعی و اخلاقی افتاد و به واقعیت ملموس زندگی پرداخت. بدی‌ها را به سخره گرفت و نیکی‌ها را ستود.

یکی از کسانی که به مسائل روزمره زندگی در نقاشی پرداخت «ژان باتیست شاردن» بود. تمایز خردگرایی «شاردن» از «واتو» و سایر نقاشان روکوکو کاملاً آشکار بود. «شاردن»

بر حالت پرتحرک روکوکو تأکید می‌کرد. مثلاً، کدبانویی که زنبیلی در دست دارد. پسری برای همیشه در حبابی می‌دمد و زنی برای همیشه ظرف می‌شوید. بدین شکل کشاکش هنری در طبقه‌های مختلف جامعه آغاز شد.





در مورد خواص دارویی دارچین چه می دانید؟

«دارچین»، بومی «سریلانکا» و «جنوب هند» است. برای تهیه «دارچین»، پوست این درختچه را جدا کرده، پودر می کنند و در غذا یا چای از آن استفاده می کنند. «دارچین» رمز جوانی است و مصرف روزانه آن انسان را سالم نگه می دارد. «دارچین» درختی است کوچک، همیشه سبز، به ارتفاع ۵ تا ۷ متر که از تمام قسمت های آن بویی مطبوع استشمام می شود. گل های آن در فاصله ماه های بهمن تا اوایل فروردین ظاهر می شود. برگ این درخت سبز تیره و دارای گل هایی به رنگ سفید است. اسانس دارچین که تنها قسمت مهم دارچین است، به مقدار یک درصد در پوست درخت مذکور وجود دارد و از تقطیر آن با آب حاصل می شود. این اسانس در صورت تازه بودن به رنگ زرد روشن است، ولی به مرور زمان و به علت اکسیده شدن به رنگ های «زرد طلایی» و سپس «قهوه ای مایل به قرمز» درمی آید. «دارچین» اولین بار در «سری لانکا» یافت شد و بعد از آن تمام دنیا این چاشنی را شناختند و برای طعم بهتر غذاها استفاده کردند.

«دارچین» برای افزایش توان جنسی به کار می رود، کلیه ها را گرم می کند، ضعف کمر و پاها را از بین می برد و کم خونی را درمان می کند. «دارچین» بهترین دارو برای دردهای عضلانی است. همچنین، اثر آرام بخش و شادی آور دارد و از بسیاری از داروهای آرام بخش بهتر اثر می گذارد. اثر مهم دیگر «دارچین» پایین آوردن تب می باشد. دارچین رگ ها را باز می کند و باعث بهبود گردش خون می شود. یکی از خواص دارچین این است که باعث افزایش کارایی «هورمون انسولین» در بدن می شود و در نتیجه، بدن نیاز کمتری به این هورمون برای کنترل قند خون پیدا می کند. «دارچین» سبب کاهش





فشار خون می‌شود. «دارچین» خاصیت عجیب دیگری دارد و آن تقویت سیستم ایمنی بدن در مقابل بیماری‌هاست و حتی می‌توان گفت که اثری مشابه با «پنی سیلین» و «آنتی بیوتیک» دارد. اگر حس کردید که ضعیف شده‌اید و ممکن است مریض شوید، چای دارچینی را فراموش نکنید. حتی اگر سرما خورده‌اید یا ضعیف شدید دارید، «چای دارچین» بهترین داروست. «دارچین» به علت داشتن «تانن» در رفع اسهال، ضعف عمومی بدن و انعقاد خون مصرف می‌شود. علاوه بر این همه خواص، «دارچین» طعم بسیار خوبی نیز دارد.

یک قاشق چای خوری دارچین حاوی ۲۸ میلی گرم کلسیم، ۱ میلی گرم آهن و بیشتر از ۱ گرم فیبر و مقدار زیادی ویتامین‌های C و K و منگنز و ۱/۲ گرم کربوهیدرات است.

برای اینکه بیشتر از طعم و خاصیت درمانی «دارچین» بهره ببرید، می‌توانید موقع دم کردن چای، مقداری از پوست آن را در داخل قوری بریزید تا همراه با چای دم بکشد. «دارچین» به عنوان چاشنی در طبخ انواع مختلفی از غذا و شیرینی در دنیا کاربرد دارد. از «دارچین» در صنعت شکلات سازی نیز استفاده می‌شود و به عنوان طعم دهنده آدامس نیز کاربرد دارد. افرادی که آلرژی دارند، می‌توانند از «دارچین» در غذاهای خود استفاده کنند، زیرا «دارچین» موجب تشدید آلرژی نمی‌شود، اما این نکته را فراموش نکنید که اگر شما بیش از حد از دارچین استفاده کنید؛ باید اثرات بد آن را نیز بپذیرید. اثرات مضر مصرف زیاد دارچین عبارت است از: «التهاب یا ورم کردن پوست»، «زخم‌ها و ترک‌های گوشه دهان» و «سوزش معده».

برگرفته از کتاب داروخانه گیاهی، تألیف: فاطمه مهسا کارآموزیان



شگفتی‌های ایران

مجموعه تخت سلیمان (۱)

بناها

سیده انسبه سعادت

کارشناس گردشگری

تمام مخلوقات چه دست ساز بشر و چه طبیعی همه جالب و تفکر برانگیزند و هر کدام زیبایی مخصوص به خودشان را دارند. هر چه از این دیدنی‌ها ببینیم و بگوییم، بیشتر طالب دانستن «ندیده» و «نشنیده‌های» دیگر می‌شویم. پس بهتر است هر دفعه سری بزنیم به گوشه‌ای از ایران و این همه عجایب که هر کدام پیشینه‌ای مخصوص به خود دارد را بشناسیم. این تاریخچه ممکن است «رخدادهای عینی»، «دیده‌ها»، «شنیده‌ها» و «حدسیات» را شامل شود که هر کدام دریچه‌ای به سوی نا شناخته‌ها برایمان باز می‌کند.

این بار تصمیم داریم به شمال غربی ایران سری بزنم و مجموعه شگفت انگیز «تخت سلیمان» را از نظر بگذرانم. مجموعه‌ای که زیبا و تاریخ ساز بوده و هنوز هم بسیار جذاب و تفکر برانگیز است. این مجموعه در میان جلگه‌ای سرسبز و خوش آب و هوا واقع شده است و به خاطر این شرایط آب و هوایی در دوره‌های تاریخی مختلف به عنوان «پایتخت تابستانی» بسیاری از شاهان ایرانی باستان به حساب می‌آمده است. شاید این منطقه به خاطر پیشینه پر از رخدادها و قدمت و عجایبی که دارد، اکنون در چهارمین رتبه ثبت آثار ملی ایران قرار گرفته است. این محل هم برای گردشگران، هم برای باستان شناسان و هم برای زمین شناسان و طبیعت گردان، منطقه‌ای فوق العاده جذاب به حساب می‌آید. علاوه بر، «آتشکده آذر گشسب»، «معبد آناهیتا» و آثار به جا مانده از «کاخ‌های ساسانی و ایلخانی»، دریاچه و کوه‌های آن نیز زیبا و قابل تعجب است.



به همین خاطر ترجیح دادم که این نوشته را به سه بخش بناها و آثار باستانی، دریاچه و کوه‌ها تقسیم کنم تا بیشتر با این مجموعه آشنا شویم و بهتر آن را بشناسیم.

در قسمت اول این مجموعه به تاریخچه، قدمت بناهای بجا مانده و حکایت‌های مربوط به آن می‌پردازم که از تحقیقات محققان و دانسته‌هایشان نشأت می‌گیرد. مهم‌ترین چیز که بازدیدکنندگان باید بدانند، موقعیت این محل است. این مجموعه در ۴۲ کیلومتری شهر «تکاب» قرار گرفته و با شکوهی که دارد به آذربایجان غربی چشم‌انداز ویژه‌ای بخشیده است.

همان‌طور که گفتم مجموعه «تخت سلیمان» از سازه‌های مختلفی تشکیل شده که می‌توان به «آتشکده آذرگشسب»، «معبد آناهیتا» تالارهای از بین رفته و آثار به جا مانده از تالارهای متأخر نام برد. این را به قطعیت می‌توان گفت که این منطقه بسیار مقدس بوده است. آثار بجا مانده از بنای «معبد آناهیتا» نشانگر این است که این محل دارای چه اهمیت مذهبی خاصی برای مردم بوده و وجود آتشکده معروف «تخت سلیمان» یا همان «آذرگشسب» هم معرف دیگری برای این باور است، چون در قدیم آتشکده‌ها در جاهای مقدس ساخته می‌شدند. بر اساس باورهای بعضی از مردم مبنی بر حکومت «حضرت سلیمان» در این منطقه و همچنین به خاطر باورهای آنها بر زاده شدن «حضرت زرتشت» در این شهر، می‌توان ثابت کرد که تمام این محل اهمیت ویژه‌ای برای «ایرانیان» و «زرتشتیان» داشته و این مجموعه در تمام زمانها از تقدس خاصی برخوردار بوده است.

«آتشکده آذرگشسب» در این مجموعه که جزء سه آتشکده مهم ساسانیان بوده است، در گذشته اسم‌های متعدد داشته است که می‌توان به اسم‌های ذکر شده در «اوستا» و «شاهنامه» اشاره کرد. در «شاهنامه» به نام «چیچست» و در اوستا به نام «چیچست» آورده شده است، اما تمام نام‌های قدیمی آن از بین رفته است و این مجموعه تنها با دو اسم «آذرگشسب» و «تخت سلیمان» شناخته می‌شود و طبق روایات متعدد این مجموعه در شهری به نام شهر «شیز» قرار داشته است.

«شهر شیز» که زیستگاه اقوام «ماد»، «هخامنشیان»، «اشکانیان»، «ساسانیان» و «مغولان» بوده است و بزرگترین مرکز «آموزشی»، «مذهبی»، «اجتماعی» و «عبادتگاه» ایرانیان» در قبل از اسلام به شمار می‌رفت و به عنوان یک شهر متمدن شناخته می‌شد. همان‌طور که گفتیم «آتشکده آذرگشسب» برای «زرتشتیان» بخصوص در «دوران ساسانیان» مهم‌ترین مرکز «عبادی - سیاسی» تلقی شده و آتش آن به آتشکده‌های

دیگر ارسال می‌شده است. یکی از ویژگی‌های آتش این آتشکده این بوده که خاکستر به جای نمی‌گذاشت و به خاطر اهمیت آن، در دوره «اشکانیان» و «ساسانیان»، اکثر پادشاهان ایران پس از تاج گذاری به نیایشگاه آذرگشسب می‌آمدند و پس از نیایش به درگاه خداوند، هدایایی تقدیم می‌کردند. به گفته ابی این هدایا هنگام به خطر افتادن منطقه، به دریاچه مجموعه تخت سلیمان ریخته می‌شده که جزئیات آن را در قسمت بعد بیان خواهیم کرد.



آتشکده آذرگشسب

هم اکنون خرابه‌های «آتشکده شیز» یا همان «آذرگشسب» که روی آتشکده اصلی بنا شده، در شمال دریاچه طبیعی تخت سلیمان به چشم می‌خورد و قابل ذکر است که ساخت بنای آتشکده به بیش از ۳۰۰۰ سال پیش بازمی‌گردد و همان طور که در کتاب هفتم دینکرد در بند ۳۹ آمده، «کیخسرو» و پسرش «سیاوش» آن را بنا کرده‌اند و برقراری آتش این آتشکده هم به هفتصد سال می‌رسد و به گفته بهتر آتش آن هفت قرن روشن ماند. به روایتی از آنجا که در نزدیکی آتشکده کوه آتشفشانی بوده است، توسط گازهای قابل اشتعال آتشفشان، آتش آن همیشه روشن می‌مانده است. این آتشکده تا دوره‌های پس از «ساسانیان» اگر چه کوچک تر و کم اهمیت تر، اما به فعالیت خود ادامه می‌داده است.

در حال حاضر نمی‌توان باقی مانده‌ای از آثار شهر «شیز» را که به گفته‌ای مجموعه تخت سیمان در آن بنا شده، پیدا کرد و بسیاری از محققان در خصوص موقعیت و جایگاه این شهر اختلاف نظر دارند. در بعضی جاهای محوطه به کاشی‌هایی با نقوش و خطوط برجسته برمی‌خوریم که به دوره «آباقاجان» برادرزاده «هولاکوخان» برمی‌گردد. «آباقاجان» پس از پذیرفتن دین اسلام، مسجدی بر روی ویرانه‌های تخت سلیمان بنا نمود که آن بنا هم بعدها ویران و فقط کاشی‌های آن باقی می‌ماند که اکنون در موزه عباسی به نظاره گذاشته شده است.

در این مجموعه علاوه بر آتشکده معروف «آدرگشسب»، ویرانه‌های تالارهایی هم وجود دارد که ما را به یاد دوره «خسرو پرویز» می‌اندازد. اگرچه ایلخانان مغول بناهای جدیدی بر روی بناهای ساسانی ساخته‌اند، اما از آنجا که آنها آثار ساسانیان را خراب نکردند و در کنار و یا روی آثار، بناهای جدید را ساختند، بناهای دوره ساسانی کاملاً ویران نشده است.

یکی از حکایاتی که در خصوص تالارهای خسرو پرویز حکایت شده و هنوز در خاطرات باقی مانده، بنایی است که «خسرو پرویز» با ساختار مکانیکی جوری طراحی نمود که از سقف‌های تالار باران می‌بارید و رعد در آن بوجود می‌آمده است. در تاریخ آمده که «خسرو پرویز» در جنگ با رومیان به «سوریه» و «آسیای صغیر» حمله می‌کند و پس از نبردی طولانی آن را فتح و صلیب اصلی را از «اورشلیم» به شهر «شیز» انتقال می‌دهد. در سال ۶۲۴ میلادی «هراکلیوس» به انتقام این حمله خسرو پرویز به «شیز» حمله و پس از تخریب قصر و شهر «شیز»، صلیب را به اورشلیم برمی‌گرداند و به این ترتیب شهر «شیز» و در پی آن قصر خسرو پرویز و تالارهای آن به ویرانه تبدیل می‌شود و دیگر شکوه خود را به دست نمی‌آورد.

آنچه گفتیم چکیده‌ای از بناهای «تخت سلیمان» است. این بناها چه آنهایی را که می‌بینیم و چه آنهایی که مدفون شده‌اند، همه گویای تاریخ غنی این مرز و بوم هستند. آجر به آجر این بناها حکایت‌های بسیاری را در خود پنهان کرده‌اند که از آنها بی‌خبریم، اما دیدن این خرابه‌ها به یادمان می‌آورد که زمانی این مکان بزرگترین تمدن ایران بوده و خشت‌های آن خوشی‌ها و مرارت‌های زیادی را شاهد بوده‌اند. شاید شکوه و جلال پیشین خود را از دست داده باشند، اما عظمت و بزرگی زمان کنونی آنها دیدنی و قابل تعمق است. در قسمت‌های بعدی به دریاچه و کوه‌های این مجموعه می‌پردازیم که هر کدام جالب و خواندنی هستند.

تولد زینب و گریه پیامبر (ص) بر مصائب آن حضرت

زینب کبری (س) روز پنجم جمادی الاول سال ۵ یا ۶ هجرت در مدینه چشم به جهان گشود. خبر تولد نوزاد عزیز، به گوش رسول خدا (ص) رسید. رسول خدا (ص) برای دیدار او به منزل دخترش حضرت فاطمه زهرا (س) آمد و به دختر خود فاطمه (س) فرمود: «دخترم، فاطمه جان، نوزادت را برایم بیاور تا او را ببینم.»

فاطمه (س) نوزاد کوچکش را به سینه فشرد، برگونه های دوست داشتنی او بوسه زد، و آن گاه به پدر بزرگوارش داد. پیامبر (ص) فرزند دلیند زهرای عزیزش را در آغوش کشیده صورت خود را به صورت او گذاشت و شروع به اشک ریختن کرد. فاطمه (س) ناگهان متوجه این صحنه شد و در حالی که شدیداً ناراحت بود از پدر پرسید: پدرم، چرا گریه می‌کنی؟! رسول خدا (ص) فرمود: «گریه ام به این علت است که پس از مرگ من و تو، این دختر دوست داشتنی من سرنوشت غمباری خواهد داشت، در نظرم مجسم گشت که او با چه



مشکلاتی دردناکی رو به رو می‌شود و چه مصیبت‌های بزرگی را به خاطر رضای خداوند با آغوش باز استقبال می‌کند.»

در آن دقایقی که آرام اشک می‌ریخت و نواده عزیزش را می‌بوسید، گاهی نیز چهره از رخسار او برداشته به چهره معصومی که بعدها رسالتی بزرگ را عهده دار می‌گشت، خیره خیره می‌نگریست و در همین جا بود که خطاب به دخترش فاطمه (س) فرمود: «ای پاره تن من و روشنی چشمانم، فاطمه جان، هر کسی که بر زینب و مصائب او بگرید، ثواب گریستن کسی را به او می‌دهند که بر دو برادر او حسن و حسین گریه کند.»

منبع:

خطابه زینب کبری (س) پشتوانه انقلاب امام حسین (ع)، صفحات ۵۵ - ۵۷ اثر دانشمند محترم محمد مقیمی از انتشارات سعدی، به نقل از طراز المذهب، ص ۳۲ و ۳۳.

بلیتی برای بهشت

نویسنده: Pedro Pablo Sacristan

مترجم: کامران کارآموزیان

زمانی یک کودک به نام «جان» بیمار بود. او مبتلا به یک بیماری سخت و نادر بود. به طوری که پزشکان اعتقاد داشتند، او مدت زیادی زنده نخواهد ماند؛ هرچند تاریخی برای آن نداشتند. «جان» مدت طولانی در بیمارستان بستری بود. او غمگین بود و نمی دانست که چه اتفاقی خواهد افتاد، تا یک روز یک دلک بر حسب اتفاق از کنار او عبور کرد و دید که «جان» چقدر غمگین است. دلک جلو آمد و گفت:

- "برای چه چیز اینجا این همه غمگین ایستاده ای. آیا کسی با تو از بهشتی که متعلق به بچه های بیمار است صحبت نکرده است؟"

«جان» سرش را مشتاقانه تکان داد و به حرفهای دلک گوش داد.

- "خوب، آنجا بهترین مکانی است که می توانی تصور کنی، حتی خیلی بهتر از بهشتی است که پدرها و مادرها وارد آن می شوند و یا از آن سخن می گویند. این بهشت پاداش کودکانی است که بیمار می شوند، اما برای ورود به آن یک شرط وجود دارد."

«جان» با نگرانی پرسید: چه شرطی؟

- "تو نمی توانی وارد آن شوی، اگر یک کیسه خاکستری شبیه به اینی که من بهت می دهم را پر نکنی!" در این لحظه، دلک یک کیسه از زیر ژاکت خود بیرون کشید و به «جان» داد. "تو خوش شانس هستی که من یکی از این کیسه ها داشتم تا به تو بدهم. تو باید این کیسه را از یادداشت هایت پر کنی تا بتوانی بلیت ورود به بهشت را خریداری کنی!" «جان» گفت:

- "یادداشت؟ آن که هیچ استفاده ای ندارد، و من هم که پول ندارم!"

- "نه، این ها یادداشت های معمولی نیستند؛ بسرم! شما کارهای خوبی را که در روز انجام می دهی، یادداشت می کنی و شب هنگام فرشته ای آنها را می خواند و اینها بلیت ورود تو به بهشت خواهد شد."

«جان» با تعجب گفت: واقعا؟

- "البته، مطمئن باش و برای پر کردن کیسه ات عجله کن. تو مدت زیادی بیمار بوده ای و ما نمی دانیم که وقت کافی برای پر کردن کیسه ات داری یا نه؟ این یک فرصت منحصر بفرد برای توست!"

دلک عجله داشت و وقتی اتاق را ترک کرد، «جان» به فکر فرو رفت. آن روز وقتی مادرش به دیدن او آمد، «جان» شادتر از هر روز بود و لبخند می زد. خوشحالی پسر، لبخند را به چهره مادرش نشانده. وقتی که او تنها شد، روی یک تکه کاغذ نوشت:

- "مادر، امروز لبخند زد."
او تکه کاغذ را در کیسه انداخت.

صبح روز بعد، وقتی «جان» به سراغ کیسه‌اش رفت، یک بلیت واقعی برای ورود به بهشت در آن دید. بلیت بسیار جذاب به نظر می‌رسید و «جان» بسیار هیجان زده شده بود. او آن روز را نیز صرف خشنود کردن پزشکان و پرستارها کرد. او در این کار سایر کودکانی را هم که احساس تنهایی و غم داشتند، شریک ساخت. او حتی برای برادر کوچکترش جوک تعریف کرد و کمی نیز مطالعه کرد و برای انجام هر یک از این کارها یک تکه کاغذ در کیسه‌اش انداخت. پس از آن، «جان» هر روز با خوشحالی از خواب بیدار می‌شد تا بلیت هایش را درون کیسه ببیند. او با خوشحالی و تلاش سعی می‌کرد



تا کیسه‌اش را پر کند تا بتواند وارد بهشت شود. در مدتی که «جان» مشغول پر کردن کیسه‌اش بود، به محبوب‌ترین کودک بیمارستان تبدیل شد. او در راه شاد کردن دیگران بسیار تلاش کرده بود و پایان راهی که او صرف خوشحال کردن دیگران کرده بود، این بود که سلامتی‌اش را به طور کامل بدست آورد. هیچ کس نمی‌دانست چه اتفاقی افتاده است و او چگونه شفای کامل گرفته است.

اما واقعیت این بود که او هر شب کمی از بهشت را وارد کیسه کهنه و خاکستری‌اش می‌کرد و منتظر بهترین روز زندگی خود برای فردا بود.

زندگی

سهراب سپهری

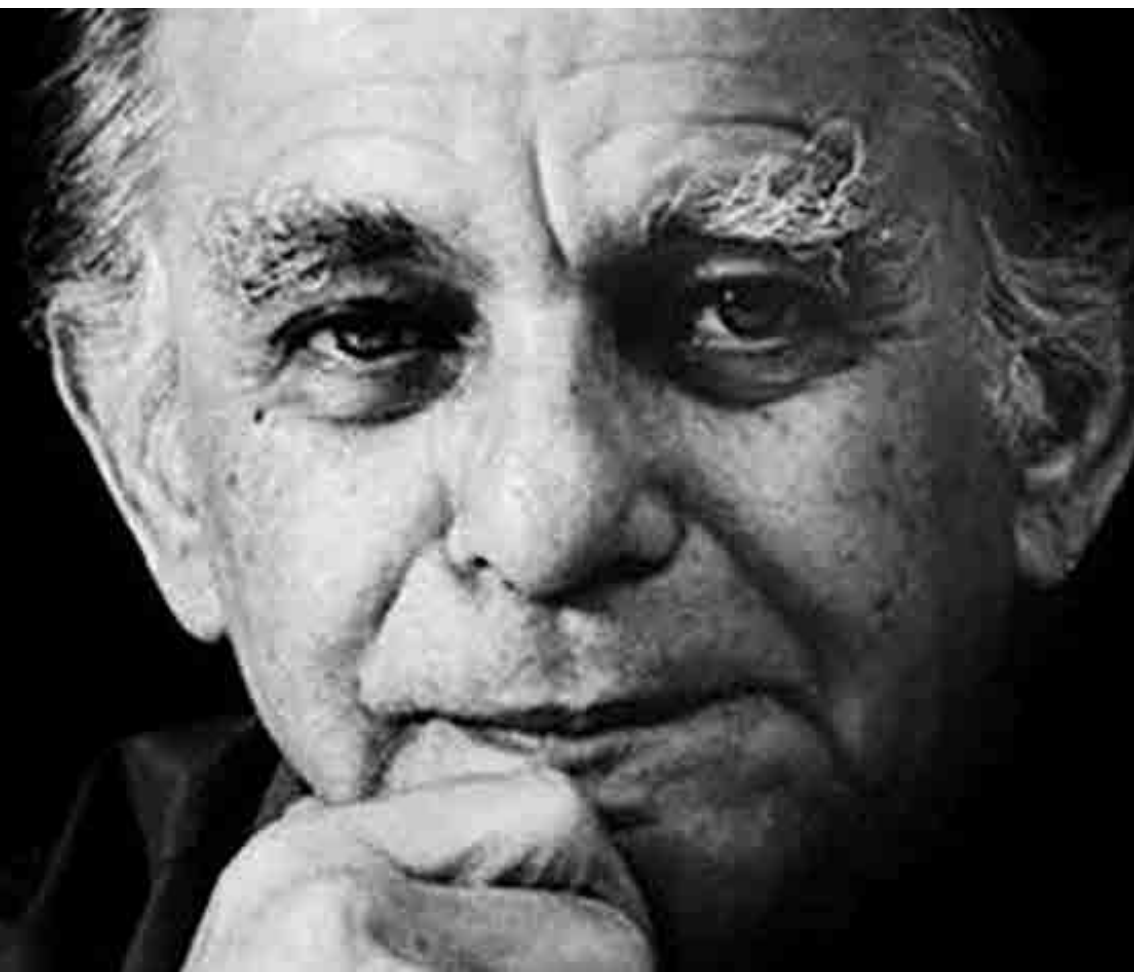


شب آرامی بود
می روم در ایوان، تا بپرسم از خود
زندگی یعنی چه؟
مادرم سینی چایی در دست
گل لبخندی چید، هدیه اش داد به من
خواهرم تکه نانی آورد، آمد آنجا
لب پاشویه نشست
پدرم دفتر شعری آورد، تکیه بر پشتی داد
شعر زیبایی خواند و مرا برد، به آرامش زیبای یقین
با خودم می گفتم:
زندگی، راز بزرگی است که در ما جاریست
زندگی فاصله آمدن و رفتن ماست
رود دنیا جاریست
زندگی، آبتنی کردن در این رود است
وقت رفتن به همان عریانی؛ که به هنگام ورود آمده ایم
دست ما در کف این رود به دنبال چه می گردد؟
هیچ !!!
زندگی درک همین اکنون است

زندگی شوق رسیدن به همان
فردایی است، که نخواهد آمد
تو نه در دیروزی، و نه در فردایی
ظرف امروز، پراز بودن توست
شاید این خنده که امروز، دریغش کردی
آخرین فرصت همراهی با، امید است
زندگی یاد غریبی است که در سینه خاک به جا می ماند
زندگی، فهم نفهمیدن هاست
زندگی، پنجره ای باز، به دنیای وجود
تا که این پنجره باز است، جهانی با ماست
رو به این پنجره، با شوق، سلامی بکنیم
زندگی، رسم پذیرایی از تقدیر است
وزن خوشبختی من، وزن رضایتمندی ست
زندگی زمزمه پاک حیات ست، میان دو سکوت
زندگی، خاطره آمدن و رفتن ماست
لحظه آمدن و رفتن ما، تنهایی ست
من دلم می خواهد،
قدر این خاطره را، دریابیم.

رفیقان

فریدون مشیری



رفیقان دوستان ده‌ها گروهند
که هر یک در مسیر امتحانند
گروهی صورتک بر چهره دارند
به ظاهر دوست، اما دشمنانند
گروهی وقت حاجت خاک بوسند
ولی هنگام خدمت‌ها نهانند
گروهی خیر و شر در فعل‌شان نیست
نه زحمت بخش و نه راحت رسانند
گروهی دیده ناپاکند هشدار
نگاه خود به هر سو می‌دوانند
بر این بی‌عصمتان ننگ جهان باد
که چون خو کند و بل بدتر از آنند
ولی یاران همدل از سر لطف
به هر حالت که باشد، مهربانند
رفیقان را درون جان نگهدار
که آنها پر بهاتر از جهانند

اثر هنری از هنرمند شش‌ساله نکیسا رجائی خراسانی

